

# ۳ شیوه عمده برای خارج کردن آمریکا از زیر صربه

## آزادسازی مردم



از نجات مادی و معنوی، از یک زندگی انسانی برخوردار باشند، بیخ کرد.  
کلید موفقیت و پیروزی در جبهه نبرد نوسازی است که در برابر یقه در صفت ۲

امریالیسم آمریکا - دشمن اصلی انقلاب ما، خلق ما، کشور ما، استقلال ما، آزادی ما، هستی ما است. امریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ما بوده و هست و خواهد بود. امریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ما و همه خلقهای جهان است. این واقعیت است و تکرار مکرر این واقعیت نه فقط زائد نیست، بلکه لازم و ضروری است، زیرا با تکرار این واقعیت، با توضیح هر چه وسیعتر و عمیقتر مفهوم آن در بین توده های میلیونی خلق، با تشریح این حقیقت که مسبب اصلی مصائبی که در دوران رژیم دستنشانده پهلوی بر سر خلق ما آمده، آمریکا بوده و منشأ اصلی دشواریهای بزرگ و کوچکی که اکنون خلق ما دچار آنست، از امریکاست، با تشریح این سخن امام خمینی که «تمام گرفتاریهای ما از امریکاست»، با افشای کامل آمریکا بعنوان دشمن اصلی خلق ما، خلقهای منطقه و خلقهای همه کشورهای جهان، میتوان نیروی عظیم و بی پایان خلق قهرمان و ایثارگر ایران عزیز را برای مبارزه در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، در راه غلبه بر مشکلات، در راه دسترسی به پیروزیهای قطعی و نهایی انقلاب، در راه نوسازی کشور، در راه ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد که در آن زحمتکشان

# نامه مردم

دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۹۲ - شماره ۱ اردیبهشت ۱۳۶۰  
مطابق با ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - شماره ۱۵۰ ریال

## امریکا پاکستان را مسلح میکند

پس تسلیم پاکستان توسط آمریکا و متحدان و دست نشانده گانش، قبل از همه علیه انقلاب ایران و افغانستان است.  
پس در برابر جبهه متحد ضد انقلابی در خاور میانه، باید جبهه متحد انقلابی را از ایران و افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری و تمام جنبشهای انقلابی و دولتی شرقی در منطقه بوجود آورد.

خبرگزاریها اطلاع دادند که آقای وزیر امور خارجه پاکستان، بسوی واشنگتن روانه شد. سفر وی بسوی قیله ارتجاع جهانی هدفی جز توطئه بر ضد کشورها و جنبشهای انقلابی در منطقه ندارد. تسلیم پاکستان یکی از عناصر مهم این توطئه است. آقای وزیر امور خارجه پاکستان تا از امریکا کمک مالی بگیرد.

و تسلیحات بیشتری برای پاکستان بکشد. وی هنگام زیمیت به واشنگتن، در فرودگاه کراچی به خبرنگاران گفت که در مذاکراتش با رهبران امریکا تقاضا خواهد کرد که امریکا مقادیری بیش از سابق اسلحه به پاکستان بدهد. تردیدی نیست که امریکائیان این تقاضا را با روی گشاده خواهند پذیرفت، مخصوصا اگر اختیارات مرستان سعودی پشتوانه مالی این تقاضا باشد.

پس از سقوط شاه ملون در ایران، نقش پاکستان در سیاست معادلات سیاسی امریالیسم بسیار افزایش یافته است. پاکستان حلقه واسطه بین امریالیسم امریکا و متفانش از یکسو و برتری جوان چینی از سوی دیگر است.

## انبار بزرگ مهمات تجاوزگران صدامی به آتش کشیده شد

نبرد دلیرانه رزمندگان قهرمان ایران در سراسر جبهه های جنگ علیه تجاوزگران صدامی ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اعلامیه شماره ۴۳۳، خلاصه ای از رویدادها و عملیات نیروهای قهرمان ایران را منتشر کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است:  
قهرمانان جان بر کف ما در روز جاری در عملیات تهاجمی علیه توطئه دشمن هفت تانک دوخودرو و یک انبار مهمات دشمن را در منطقه کرخه نابود کردند. در این نبرد رزمندگان شجاع ما با شجاعت و شجاعت از یکسندفر از سربازان عراقی به هلاک رسانیدند و پنجاه تن از افراد فریب خورده صدام به اسارت درآمدند. روز گذشته نیز در اثر اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی بر روی مواضع دشمن در همین جبهه تلفات و خسارات قابل - یقه در صفت ۸

## پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به یاسر عرفات

بمناسبت انتخاب مجد وی به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین دوست گرامی و ارجمند یاسر عرفات! از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران، انتخاب دوبار شما را به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، صمیمانه شادباش میگویم. اجلاس شورای ملی فلسطین در دمشق بار دیگر بنیوت رسانید که جنبش مقاومت فلسطین، با شناخت درست از دشمنان و دوستان بین المللی انقلاب فلسطین، بیش از پیش عزیمت آن دارد تا به بیکار خود گرامی و ارجمند یاسر عرفات و ارتجاع منطقه، پس گردگی آمریکا، و در راه دستیابی به حقوق حقه خود ادامه دهد. حزب توده ایران، که همواره بر همبستگی بیدریغ خود با جنبش مقاومت فلسطین تاکید کرده است، هم آوا با شما، اعلام میدارد که مسئله فلسطین را تنها جبهه و با شرکت مستقیم و فعال سازمان آزادیبخش فلسطین، و شما را در این مبارزه آرزو مندیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

## کارگران و زحمتکشان ایران جشن اول ماده ۴ را هر چه با شکوه تر برگزار کنید

● در روز بزرگ اول ماه مه، خاطره جاودانه شهدای انقلاب و جنگ علیه تجاوزگران صدامی، مبارزان راه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و جهان را گرامی می داریم. خاطره میلیونها و میلیونها شهید و شکنجه دیده و زجر کشیده را در دفاع از حقوق زحمتکشان در سراسر جهان را گرامی می داریم و به همه کسانی که در سراسر جهان در این راه مبارز می کنند، درود می فرستیم.  
درود گرم و پر شور ما به همه رزمندگان قهرمان جبهه های جنگ در جنوب و غرب کشور، که در دفاع از میهن انقلابی و حمله می آفرینند و زمینها را تسخیر و تحکیم و تعیین انقلاب بسود توده های محروم و زحمتکش آنان.  
افتخار به پروتاریای آبادان، خونین شهر، اهواز و دزفول و دیگر زحمتکشان شهرهای خط پیشین جبهه جنگ، که با ایثار قهرمانی، در کنار برادران خود در تیروهای مسلح، عزم و اراده طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران را در دفاع از دستاوردهای انقلاب به شایسته ترین وجه به نمایش گذاشته و می گذارند.  
سیاسی بیکران به مردم زحمتکش ایران در سراسر کشور، که با تلاش شایسته روزی خود در پشت جبهه، مواضع اقتصادی، نظامی و سیاسی میهن را تقویت می کنند، از انقلاب عظیم و شکوهمند خود (از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه)

# رای مبارزه با امریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### آمریکا پاکستان را...

بقیه از صفحه ۱

و هر دو طرف برای نگاهداری این حلقه میکوشند. حفظ «دیتا» در پاکستان، همان بقای آن که شاه ملعون در ایران برقرار کرده بود، بهترین هدف سیاستی امریالیستی-ماژوسیستی در منطقه است.

آمریکائیان با تمهید کرده اند تا حدود یک میلیارد دلار سلاح به پاکستان بدهند. چینی ها نیز، به اعتراف ضیاعالحق، برای پاکستان حساب نامحدود باز کرده اند. عربستان سعودی، بحرمانه صد میلیون دلار بعنوان کمک به «مبارزان» افغانی به پاکستان می ریزد.

همزمان با سفر آنتاشی به واشنگتن، تاجی نخست وزیر انگلستان نیز به ریاض رفت، که در چند روز این کمک ها و برضدجیشهای انقلابی باید بدهد. یگانه با مقامات عربستان سعودی گفتگو کند و توطئه های ضد انقلابی را در منطقه هاشک سازد.

بدینسان واشنگتن، لندن، پاریس، تل آویو، قاهره، ریاض، اسلام آباد، بغداد و پکن همه دست بدمت هم داده میخوانند شکافی را که در سیستم سرمایه داری جهانی، پس از انقلاب ایران و افغانستان در این منطقه بوجود آمده است، بوسیله پاکستان و دولتهای مرتجع عرب پر کنند. تلاش امریالیسم برای تشکیل یک پیمان ضدانقلابی و تجاوز-کارانه بدون سر و صدای بجای پیمان سنتو، با شدت ادامه دارد.

### پاکستان - حلقه ضعیف

#### امریالیسم در منطقه

امریالیستها، بسرکردگی آمریکا و همچنین برتری جوان چینی میخوانند بحیال خود ساز تکرار واقعه سقوط شاه ملعون جلوگیری کنند، زیرا وضع در پاکستان از بسیاری جهات نظیر ایران است. سرمایه های خارجی در آن کشور نیز مانند ایران امریکایی اصلی اقتصاد را در دست دارند. دیکتاتوری ضیاعالحق، عینا مانند دیکتاتوری شاه ملعون، آزادی را از همه کس سلب کرده است. این دیکتاتوری بخصوص از آنچه ترسناک تر و نفرت انگیزتر است که بنام «اسلام» انجاس میگردد علاوه براین، وضع اقتصادی پاکستان مراتب از ایران شایسته تر، که درآمد نفت به قریاض میرسد، و خنجر است. فاصله بین فقر و ثروت بیست و در پاکستان اقزایی مییابد، خلاصه آنکه پاکستان، پس از ایران، ضعیفترین حلقه سیستم سرمایه داری جهانی در این منطقه است و اگر این حلقه نیز بشکند، کار امریالیستها زار است و کار دولتهای مرتجع عرب منطقه از آسم زارت.

درک خطری که از این ناحیه توجیه دولتهای امریالیستی غارتگر نفت و ملوک شیوخ مرتجع عرب است، از سوی دولتهای مرتجع هم آورده است. سرنگونی رژیم ضیاعالحق در عین حال یک فاجعه سیاسی برای برتری جوان چینی است، که میخواهند از پاکستان بعنوان پایگاهی علیه هند و ایران و افغانستان و اتحاد شوروی استفاده کنند. پاکستان بدلیلی

### ۳ شیوه عمده...

بقیه از صفحه ۱

خلق و کشور ما گشوده شده، شناخت امریالیسم، بسرکردگی آمریکا - دشمن اصلی و همیشگی، از سوی توده های میلیونی شهر روستا، و ریزه های این شناخت، بیخ نیروی تمام خلق در این جنبه سرنوشتماس، در این نبرد حیاتی و ممانی با آمریکا، با متحدان گوشه فرمان او، با نیروهای طرفدار او، با پایگاههای اقتصادی - اجتماعی او در درون کشور است.

محور تبلیغات انقلابی جمهوری اسلامی ایران باید اقله و شناساندن امریالیسم، بسرکردگی آمریکا باشد. اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید مبارزه با آمریکا، با امریالیسم بسرکردگی آمریکا، با امریالیسم آمریکا و متحدانش باشد.

پایه اصلی سیاست داخلی جمهوری اسلامی ایران باید براندازی سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی، ریشه کن کردن بازمانده های نفوذ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی امریالیسم، بسرکردگی آمریکا، ایجاد سد غیرقابل عبوری بر سر راه نفوذ مجدد این شیطان بزرگ باشد.

دشمن اصلی امریکاست و بنابراین سمت اصلی مبارزه، مبارزه در همه زمینه ها، باید علیه آمریکا باشد. این سمت اصلی مبارزه را باید حفظ کرد، تقویت کرد، تداوم بخشید.

باید همواره متوجه بود که آمریکا، بوسیله ایادی خود، بوسیله ضدانقلاب داخلی، سعی مداوم دارد که مبارزه خلق ما را از این سمت اصلی منحرف کند. این گوشش مداوم تبلیغاتی - سیاسی آمریکارا باید عقیم کرد. همچنین هستند هنوز نیروهایی در داخل کشور که مخالف تصحیح بیشتر انقلاب و حتی خواستار بازگشت آمریکا از پنجره هستند. اینان نیز سعی دارند آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند. گوشش اینان را نیز باید عقیم کرد. و نیز هستند هنوز نیروهای ناآگاهی که، علی رزق خواست بلطنی خود، که ریشه کن کردن نفوذ امریکاست، در عمل سمت مبارزه برضد آمریکا را گم میکنند. اینان را باید با اقله ای بیشتر آمریکا و خنده گیری های مستقیم و غیرمستقیم او، با اثبات اینکه راه حل همه مشکلات مبارزه با امریکاست، از گمراهی به بزرگ راه مبارزه اصلی رهنمون سازد.

امریالیسم آمریکا، ایادی و عمال او، ضدانقلابیون داخلی، مستظرفین، فمال و یا غیرفعال بازگشت آمریکا از پنجره، همه دلزدگان از انقلاب، که برای زندگی دوران گذشته آمیخته اند، بدرجات مختلف و شیوه های مختلف، سعی دارند امریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج کنند. مبارزه انقلابی را از سر ضد امریکائی منحرف کنند.

همه آنها می بینند و میدانند که جو حاکم در کشور ضد امریکائی، ضد امریالیسم بسرکردگی امریکاست، از اینرو آنها نمی توانستند

خبات ضیاعالحق رنگ «اسلامی» بخود میگیرد. همکاری او با امریالیسم و گرفتن سلاح از آنها برای دفاع از «اسلام» در برابر دولت «کافر» هند است. سیاست ضد شوروی او مبارزه «اسلام» بر ضد دگر و الهام جهانی است. او بخاطر «اسلام» به راهزنان افغانی برای آنتی-زندن مدارس و کشتار زنان و کودکان سلاح میدهد و همین «اسلام» است که ضیاعالحق و ملک خاند و سایر مروجان منطقه را در کنار هم و همه آنها را زیر سرپوش امریالیسم، بسرکردگی آمریکا، قرار میدهد. «اسلام» ضیاعالحق با اسلام انقلابی فرستکا فاصله دارد. آنتاشی به نمایندگی از همین «اسلام» ضیاعالحق برای توطئه برضد کشورها، در جنبشهای انقلابی منطقه به واشنگتن می رود و برای کمک به تقویت همین «اسلام» است که هیگ، کرینگتون و لجر و دیگر مقامات بلندپایه دولتهای امریالیستی می در پی به امریالیست سعودی و شیخ نشین ها و پاکستان و سایر دولتهای مرتجع منطقه در رفت و آمدند.

### باید برای مقابله با توطئه امریالیسم در پاکستان آماده بود

پاکستان بعنوان یک حلقه واسطه بین امریالیسم، رژیمهای مرتجع منطقه و برتری جوان چینی نقش تخریبی فوق العاده خطرناکی را ایفا کرده است. اکنون پاکستان یکی از مراکز توطئه های ضدانقلابی در منطقه است. نقش تخریبی پاکستان در منطقه بخصوص بدلیل دعوی «اسلامیت»

بمطرفداری از آمریکا زبان بگشایند، و لذا به شیوه های مختلفی از خود را تقویت میکنند، و شیوه های سه گانه زیرین، عمده ترین آنها است. شیوه نخست حادثه سازی، بزرگ کردن مسائل فرعی، ایجاد تنش، ناامنی و فضای سلسله برای دامن زدن به این مسائل است. هدف این شیوه، که برتنگها و طرق گوناگون بکار بسته میشود به خود مشغول کردن نیروهای انقلابی، انحراف توجه مردم از آمریکا است. این شیوه کار بسیار موزیانه ای است که نیروهای کم تجربه پندام آن می افتند و لذا وظیفه انقلابی نیروهای مجرب سیاسی است که این شیوه عمل را، ببردگی جلوه گر شود، اقتضا کنند و بسا افشاکاری مداوم اشکال مختلف آن، هشداری مردم را در سطح عالی نگاهدارند، تا سمت اصلی مبارزه - مبارزه علیه امریالیسم آمریکا را گم نکنند.

شیوه دوم دامن زدن و بهره برداری از افسانه خطر کمونیسم و خطر شوروی است. این «خطر» موهوم اختراع دستگاه تبلیغاتی امریالیسم است، که افسانه آن از فردای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و تأسیس دولت شوروی تا سقوط رژیم شاهنشاهی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یکپس و با هر رنگ و تیرنگ، بگوش مردم ما (و همه دیگر خلقهای جهان) خوانده شده است.

در دوران رضاخان - این عامل سرسپرده انگلستان، «بلشویک»، که انقلابی ایاتلرگ ازجانب گفتمانی در راه زحمتکشان ستم دیده و غارت شدیم بود، جانوری معرفی شده بود هر چه مورخ طلب، خونخوار، ظالم، شقی و سفاک، که پستان زنان را میبرد، سرگودگان را به دیوار میکوبد، هستونیتس مردم را به بیضا میرید میزند و میکشد و غارت میکند. «بلشویک» بدینترتیب دشمنی بود، و شوروی، طبق این افسانه، دولتی بود تجاوزگر، اشغالگر، توسعه طلب و استعمارگر، بدتر از دولت امریالیستی تراری، که همواره میخواند سیل آسا به کشور ما سرزیر شود و بدتر از تصور مقول ایران را در معرض تاخت و تاز قرار دهد.

تبلیغات درباره خطر کمونیسم و خطر شوروی در دوران محمدرضا - این عامل سرسپرده آمریکا - نیز ادامه یافت. «کمونیسم» اختراعی این تبلیغات، زن را اشتراکی میکند، خانه مردم را میگیرد، بیرون زنان و پیر مردان را به دریا می ریزد، کودکان را «دولتی» میکند، فاجعه ایست بدتر از طاعون و آنتروپان، سیل و زلزله، و شوروی دولتی است که چنین فاجعه ای را میخواند بر همه خلقها و سراسر جهان بفرز رساله تحویل کند.

باید اذعان کرد که این تبلیغات دراز مدت، ضمن بستن راه مسافرت مردم به شوروی، در بخش بزرگی از مردم ما قاتلانی بجا گذارده است، لابل در حدود سوهن نسبت به اتحاد شوروی، همین سوهن است که پریشکسی دستور داد باید دامن زدن آبراه مسلح سیاست دولت ایران ارتقاء داد، بدین وسیله بنف تیرگی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی شد، تا به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران پایان داده شود و رژیم خنجر تقویت و ضربه پذیر گردد.

جایگزین کردن خطر موهوم کمونیسم و شوروی با خطر واقعی امریالیسم هاز و غارتگر آمریکا، گرچه روز بروز به روشنگری بیشتری دچار میشود ولی هنوز یکی از عمده ترین شیوه عمل تبلیغاتی - سیاسی آمریکا برای درهم کشتن انقلاب جمهوری اسلامی ایران است. بر کلیه نیروهای صدیق و آگاه انقلابی است که با افشاکاری تام و تمام این شیوه عمل ضد انقلابی، امریالیسم آمریکا را از ادامه یکبارستی آن بکلی مایوس کنند.

شیوه سوم باصطلاح ظرفیت و بطورنسی تازه تر است. این شیوه که در حدود ۲۰ سال پیش، در نزد خسته تبلیغاتی امریالیسم اختراع شده است، در نظر میگیرد که آمریکا بعنوان دولتی سلطه جو و غارتگر تا حدود زیادی از سوی خلقها به تجربه شناخته شده و روند شناخت او ادامه خواهد داشت. پس باید دروغ «خطر شوروی» و خطر کمونیسم، همراه با حقیقت نسبتا شناخته شده خطی آمریکا را یکجا عرضه کرد، تا آن دروغ قابل پذیرش گردد. از سوی دیگر، این شیوه ظرفیت و تازه تر تبلیغاتی - سیاسی آمریکا در نظر میگیرد که آن نیروی که بتواند سرمایه داری امریالیستی را از طریق ارائه نظام سوسیالیستی و از طریق حمایت از جنبشهای انقلابی و آزادی خواهی ضد امریالیستی خلقهای جهان از پای بردارد، جامعه کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی است. پس باید این نیروی پشتیبان نبرد نجات بخش خلقها را نوعی امریالیسم، و اتحاد شوروی را چیزی شبیه به آمریکا معرفی کرد. حاصل این «مطالعه»، اختراع نظریه «دوا بر قوت» شد، که نوعی تقسیم بی آبروی، تراشیدن شریک هم برای امریالیسم بسرکردگی آمریکا، بقصد تخفیف مبارزه ضد امریالیستی خلقها، جدا کردن جنبشهای انقلابی و رهائیش از متحد طبیعی آنها و بدین وسیله، ایجاد امکان سرکوب انقلابی، جنبشهای استقلال طلبانه، ایجاد امکان دوام سلطه نواستعماری امریالیسم بسرکردگی آمریکا بود. (ماژوسیستی خائن چینی، چنانکه میدانیم، برای این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امریالیسم، تئوری سه جهان را ساختند.)

بعد از انقلاب ضد امریالیستی و رهائیش مردم ایران، این شیوه تبلیغاتی - سیاسی معرفی دوا بر قدرت، بعنوان قدرتهای مشابه یکدیگر، مورد استفاده قرار گرفت و باید اذعان کرد که تا حدودی نیز، بر مبنای عدم شناخت سوسیالیسم و اتحاد شوروی از سوی بخش بزرگی از مردم، اثرات مخربی داشت. بازمانده های تاثیر این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امریالیستی هنوز هم مشاهده میشود. در همه نیروهای صدیق و آگاه انقلابی است که در اقتضای این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امریالیستی نیز بکوشند، تا انقلاب ایران بهتر و بیشتر جنبه ضد امریالیستی جهانی را بشناسد، از حمایت طبیعی آن برخوردار شود، تمام نیروی خود را علیه امریالیسم بسرکردگی آمریکا - دشمن اصلی، واقعی و خطرناک انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار بندد، بدون انحراف در مبارزه با شیطان بزرگ، راه دستیابی به پیروزی قطعی و نهایی انقلاب را بییامد.

# پاره‌های از ریشه‌ها و علق نا آرامی و درگیری در «کفش ملی»

در شرایطی که امپریالیسم جهانخوار آمریکا به کمک آبادی داخلی خود در حال اجرای توطئه هفتم در ایران انقلابی است، ضدانقلاب بقوت می‌کوشد تا با استفاده از ناراضی‌های کارگران کفش ملی، این واحد بزرگ صنعتی را به آشوب کشد. چنانکه دیدیم، در هفته‌های اخیر خرسال گذشته کارخانجات گروه صنعتی کفش ملی شاهد وقایع اسفبار دیگری‌های کارگری بود.

بدنبال چندین روز اعتصاب و اعتراض‌های مکرر در کارخانه‌های مختلف کفش ملی، که ظاهراً بخاطر تقاضای کارگران کارخانه پوست و چرم رختان، جهت خراج بعضی از مدیران این کارخانه و همچنین پاره‌ای از تقاضاهای مادی کارگران کارخانه‌های دیگر انجام شده، روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۵۹، چند نفر از نمایندگان شورای کارکنان کفش ملی دستگیر شدند و این امر باعث تشدید اعتراضات کارگران گردید.

بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۵۹، عده‌ای از کارکنان بخاطر اعتراض به بازداشت نمایندگان خود محل کار هیات مدیره را محاصره کردند و مانع از خروج آنها شدند. در نتیجه ساعت ۳ صبح روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۵۹، سیاه پاسداران مجبوره دخالت شد و با احتمال گاز اشک آور که منجر به مصدوم شدن عده‌ای از محاصره کنندگان گردید، به ماجراجویی پرداختند. در این میان تعدادی از نمایندگان کارگران و همچنین افرادی که از خارج از گروه، به قصد دامن زدن به مسئله، در ماجراجویی‌ها دخالت داشتند و بطور غیرمجاز وارد کارخانه شده بودند، دستگیر شدند.

بدنبال این قضیه، صبح روز شنبه ۱۶ اسفند ۵۹، هیات مدیره دولتی با انتشار اطلاعاتی، ضمن محکوم کردن این عمل، مدیران وابسته به سرمایه‌داری فراری (ایروانی) را مسبب و محرک ناآرامی‌ها معرفی کرد و عده داد که بزودی نسبت به تصفیه کلیه افراد مزبور اقدام خواهد کرد.

وقایع اسفبار دیگری‌های «کفش ملی» را می‌توان یکی دیگر از اعمال خوابکارانه سرمایه‌داران لیبرال و وابستگان به آنها دانست.

بعد از انقلاب شوکه‌مند ۲۲ بهمن، اداره تشکیلات عظیم کفش ملی، واقع در اسماعیل آباد کرج، به بعد هیات مدیره دولتی واگذار شد. ندانم کاری‌ها و روحیه غیرانقلابی این عده، که گریزهای لیبرالی شدید داشتند، در طول مدت یکسال ونیمه که عهده‌دار مدیریت کفش ملی بودند، باعث از هم گسیختگی شرازه امور و کاهش تولید کارخانه‌های این گروه و نهایتاً تسری و ناامیدی شدید کارگران شد.

عوامل سرسپرده سرمایه‌داری فراری (ایروانی) که در زمان تصدی هیات

مدیره سابق، همچنان بر سر مشاغل حساس باقی ماندند، با همکاری وابستگان ساواک و مدیران بی‌ملاحظه‌ای که توسط هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان به کارگمارده شدند، از هیچ‌گونه کارشناسی و اخلاقی در امر بازاری و سالم سازی گروه صنعتی کفش ملی خودداری نکردند.

هیات مدیره سابق (که از گماردگان مهندس هسته‌ای عضو موثر ساواک منحل و رئیس سابق سازمان صنایع ملی بودند) علیرغم اعتراض‌های مکرر کارگران انقلابی کفش ملی، از هرگونه اقدام انقلابی در جهت پاکسازی گروه خودداری کردند و باروشن شدیدا لیبرالی و سازشکارانه خود سعی داشتند آب رفته را بجوی بازگردانند و این واحد عظیم صنعتی را کاملاً به همان سبک و روش سرمایه‌دار فراری اداره کنند.

در بهمن ماه گذشته، در پی اعتراض‌های مکرر انجمن‌های اسلامی و شوراهای اسلامی کارکنان گروه کفش ملی، «سازمان صنایع ملی» نسبت به تعویض هیات مدیره سابق اقدام کرد و هیات مدیره جدیدی را به کارگماشت.

از همان ابتدای انتصاب هیات مدیره جدید، مدیران لیبرال گروه و وابستگان ایروانی، که موقعیت خود را شدیداً در خطر می‌دیدند، به تکلیف‌اتحاد و با استفاده از جونا راضی‌های و بدبینی کارگران، که ناشی از عملکرد غیر انقلابی هیات مدیره سابق است، با استفاده از عوامل ناشناخته خود، به تحریک کارگران پرداختند.

در این میان عوامل گروهک‌های مائوئیستی و بعضی از عناصر فریب خورده و گمراه، که نادانسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند، مطابق معمول آتش بیار معرکه شدند و به منقشه‌های شوم عوامل ضدانقلاب، که نهایتاً در جهت اجرای توطئه هفتم شیطان بزرگ امپریالیست جنایتکار است، کمک‌های فراوان کردند.

متأسفانه انعطاف‌ناپذیری هیات مدیره جدید و عدم اطاعت آنها از نقشه‌های پشت پرده عوامل ضدانقلاب باعث جبهه‌گیری شدید آنان و نهایت امر رویارویی با کارگران و شورای نمایندگان کارکنان کفش ملی شد.

هرچند بسیاری از خواست‌های کارگران مثل افزایش میزان سود و بهره، حق سخنی کار، حقوق ایام بیماری و غیره، مخصوصاً با توجه به افزایش شدید هزینه زندگی، قابل توجه است، لیکن این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که در بسیاری از موارد فقدان مجوز قانونی و همچنین مشکلات مالی ناشی از وضع خاص کشور و کاهش تولید و نابسامانی مالی گروه، که ناشی از کارشناسی‌های سرمایه‌داران و عوامل وابسته به آنها

شرکت ساختمانی «ویلیام بهرا» واقع در سرپندز، حدود هفت سال پیش ایجاد شد. در این شرکت حدود صد و پنجاه نفر کار می‌کنند. سهام شرکت متعلق به دوسرماه‌دار بزرگ است، که در تهران بسر می‌برد. کلیه کارهای اداری و خدماتی شرکت به یک نفر واگذار شده است.

از آغاز فعالیت این شرکت، تشابه امروز، نه تنها هیچ‌گونه مزایا، از قبیل اضافه‌کار، جمع‌کاری، و اضافه دستمزد به کارگران پرداخت نشده، بلکه از آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران، حقوق ثابت کارگران نیز پرداخت نشده است. کارگران قبل و بعد از جنگ بارها برای بدست آوردن حقوق خویش به اداره کار شهرستان - سلمان مسکن و اداره کار استان مراجعه کرده‌اند. کارگران می‌گویند:

«متأسفانه، بجز موارد استثنایی، توجه لازم به خواست‌های ما نداشته است. برای نمونه مسئول سازمان مسکن در جواب نماینده ما که می‌گفت: «ما حقوق پرداخت نشده خود را مطالبه می‌کنیم»، گفت: «دولت در برابر شما هیچ تعهدی ندارد». و یا هنگامی که کارگران برای دریافت حقوق خود به نماینده شرکت مراجعه کردند، او گفت: «بروید از دولت بگیرید».

کارگران می‌گویند:

«مادولت را از خودمان می‌دانیم. مواضع کنونی دولت را خوب درک می‌کنیم. ما خوب می‌دانیم که باید دولت را از هر جهت تقویت کرد. ولی ما که اضافه حقوق و پنا چیز فوق العاده‌های نخواستیم. ما تنها حقوق معمولی و عقب افتاده خود را می‌خواهیم. ما حتی حاضریم در شرایط کنونی به خاطر وضع فوق العاده دولت، ۵۰٪ از حقوق خود را دریافت کنیم. ما فقط می‌خواهیم مقداری پول دستمان بیاید که بتوانیم خرج زن و بچه‌هایمان و هزینه زندگی خانوادگی خود را تأمین کنیم. ولی متأسفانه آنطور که شایسته است به خواست‌های ما توجه نمی‌شود».

## بازی جانفشانی در راه انقلاب کارگران شرکت ساختمانی «ویلیام بهرا» فقط حقوق ماهیانه خود را می‌خواهند!

کارگران اضافه می‌کنند که:

«ما از تمام مقامات و ادارات مسئول و قانونی خواستاری بگیری در مورد خواست قانونی خود هستیم. ما حتی برای اثبات حسن نیت خود ورقه‌ای از دفتر نخست وزیری در مورد پرداخت ۵۰٪ حقوق از جانب شرکت را برای اداره کار آوردیم. ولی متأسفانه به خواست ما توجهی نشده. ما از مسئولان امر می‌خواهیم که به سایل و مشکلات ما برخوردی مسئولانه کنند».

در گذشته هرگاه کارگران به شرایط سخت کار، مثلاً ۹ ساعت کار در روز و عدم پرداخت برخی از مزایا، اعتراض می‌کردند، از جانب مسئولین شرکت اخراج می‌شدند. چنانکه قبل از جنگ، نماینده کارگران بنام «حمیدی» به دلیل دفاع از حقوق کارگران، از شرکت اخراج شد.

ما ضمن محکوم کردن کلیه تصمیم‌ها و اعمال ضد کارگری کارفرمایان، از مسئولان امر می‌خواهیم که هرچه زودتر به وضع کارگران شرکت «ویلیام بهرا» رسیدگی کنند. رسیدگی موضوع کارگران، تقویت انقلاب و تضعیف ضد انقلاب است. باید با اتخاذ تدابیر درست و محقول پشتیبانان واقعی انقلاب را در دفاع از انقلاب تشویق کرد. باید از هر تصمیم و حرکت ناحق و غلطی که باعث ناراضی‌های می‌شود، جدا پرهیز کرد.

در یک کلام و بطور مشخص پرداخت حقوق ماهانه کارگران واحدها و کارگاه‌ها، در حالی که کارگران عموماً کمترین اندوختگی ندارند و فشار کمترین هزینه زندگی، آنها را از پای درمی‌آورد، کمترین خواستی است که از جانب آنان می‌تواند عنوان شود. در عین حال، آنچه که کارگران به انقلاب خود ارضایی می‌دارند، به هیچ وجه در حساب نمی‌گنجد، بگونه‌ای است که بجز آن می‌توان گفت کمترین هدیه زحمتکاران به انقلاب، زندگی و هست و نیست خویش است.

اهم مسائلی که مورد توجه خاص کارگران است و هیات مدیره باید نسبت به آنها توجه فوری مبذول دارد، از قرائت: ۱- امتیازات نامعقول مدیران سطح بالای گروه صنعتی ملی، ۲- اخراج مدیران پاکسازی شده واحدهای دیگر، که در زمان هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان بسر مشاغل حساس گمارده شده‌اند، ۳- ممنوعیت استفاده مدیران از اتومبیل‌های لوکس، که از آنها استفاده شخصی نیز بعمل می‌آید، ۴- اخراج افراد و مدیران زائدی که بدون انجام هیچ کار مفیدی، بطور عمده در شرکتی بنام عمران مهر آباد و شرکت تهیه پوست ایران متمرکز گردیده‌اند. این افراد که سابقاً در واحدهای مختلف کفش ملی بکار اشتغال داشتند، هر یک بعلل مختلف، در اثر اعتراض و مخالفت کارگران واحدهای مدیره سابق، با این شرکت منتقل شده‌اند و در حال حاضر به ناحق حقوق‌های کلانی دریافت می‌دارند.

۵- مشورت و همکاری در اداره امور کارخانه‌ها با شورای کارکنان، ۶- اخراج عوامل وابسته به ایروانی و ساواک منحل، ۷- انجام اقدامات رفاهی در جهت فعال کردن شرکت تعاونی، مهد کودک و ورزشگاه‌های کارگران، ۸- انجام تسهیلات لازم جهت امور درمانی و بهداشتی کارگران، ۹- تمام اقدامات انجام شده جهت طبقه‌بندی مشاغل، ۱۰- تعیین تکلیف قطعی مالکیت گروه صنعتی ملی و خلع ید کامل از کلیه سهامداران سابق.

کساندن کارگران به اعصاب و تعصب و درگیری توطئه صدا انقلاب است!

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...



باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

باز در همه کارگران زحمتکش خواهان و سرداران عزیز: همانطور که صد سال پیش از انقلاب کسی اداره مملکت را به دست گرفتند که سلامت و شرف ملی مشکلات مردم را کارگران را مدد نشد و به دلیل سببها و روزهای سادست آنها الان ما همه مردم ما مشکلات و مسائل زمانه از جمله تورم، بیکاری، کمبود مسکن، بیکاری، و غیره را تجربه می‌کنیم و روزی که ما را به این مشکلات و روزی که ما را به این مشکلات...

# امر آزادی و سر جدائی ناپا

مورد اعلام "حزب منافع حیاتی" آمریکا در مناطقی که هزاران کیلومتر از خاک آن کشور فاصله دارند، تمرکز واحدهای عظیم نیروهای مسلح آمریکا در این مناطق جهت مداخله، شانتاژ و فشار و تهدید آشکار و تلغوزارت دفاع آمریکا برای ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید در منطقه شبه جزیره عربستان، آفریقای خاوری و دریای مدیترانه.

در عین حال واشنگتن، به اتفاق یکن، به تحریک و توطئه برای ایجاد یک کانون جنگ دائمی در آسیای جنوب خاوری می‌پردازد. امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین روابط خود را با رژیم‌های دیکتاتوری و پلیسی گسترش می‌دهد و توطئه‌های خود را علیه جنبش‌های میهن‌دوستانه، دمکراتیک و ضد امپریالیستی تشدید می‌کند. برای همه روشن است که بدون حمایت و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا، رژیم‌های تروریستی ننگینی مانند رژیم پهنوشه در شیلی، استروستر در پاراگوئه و دووالیه در هائیتی نمی‌توانستند وجود داشته باشند و بپیکرهای جمعی و فشارهای شدید علیه نیروهای چپ و دمکراتیک در این کشورها امکان پذیر نبود.

بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا، در دهه کنونی، مانند نیروی عمده نواستعماری و مانند دشمن جنبش‌های رهایی‌بخش خلق‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین عمل می‌کند.

این مطلب را بویژه باید خاطرنشان کرد که امپریالیسم از اختلاف‌ها و مناقشات میان کشورهای نواستقلال در منطقه آزادی‌طلبی بهره‌مندی می‌کند. واقعیت این است که میان برخی از کشورهای این منطقه مسائل مورد اختلافی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و در مواردی اختلافات سرزمینی وجود دارد. این اختلافات قبل از هر چیز از بازمانده‌های دوران استعمار و از نتایج سیاست‌های امپریالیسم است. پیامدهای سلطه استعمارگران، مسائل منگی وجود آورده‌است. این مسائل و اختلاف‌ها را باید با شیوه سیاسی و دیپلماتیک و از طریق جستجوی صبورانه راه‌حل‌های عادلانه و قابل قبول برای طرفین حل و فصل کرد. زمانی که برای دفاع از منافع این کشورها، یک‌جانبه و بدون در نظر گرفتن منافع دیگر خلق‌ها و وظیفه‌مندی مبارزه علیه امپریالیسم برخورد می‌شود، آن زمان وضعی بوجود می‌آید که امپریالیسم از آن بهره‌مندی می‌کند و هرگونه تلاش را بکار می‌برد تا مانع اتحاد و همبستگی کشورهای نواستقلال گردد. اختلاف و مناقشه‌های کشورهای نواستقلال در منطقه مبارزات ملی و رهایی‌بخش و به طریق اولی تضادها و مناقشات نظامی، بهترین هدیه برای امپریالیسم است.

اکنون بیش از هر چیز تضاد میان ایران و عراق نگرانی‌آور است. مواضع اتحادشوروی نسبت به این تضاد روشن است. لئونید برژنف در این باره گفته است:

"ما طرفدار آن هستیم که ایران و عراق مسائل مورد نزاع میان خود را در پشت میز مذاکرات حل و فصل کنند. خوب خواهد بود اگر مسائلی را که امروز می‌توانند حل کنند، با روح توافق حل کنند، و آن مسائلی را که امروز نمی‌توانند حل کنند، برای فردا بگذارند، شاید راه حل آسانتری برای آن‌ها یافت شود."

کوشش امپریالیسم برای ایجاد جو تشنج ملیت‌پرستی، با تبلیغات جنجالی درباره "خطر شوروی"، بحارای از کشورها و از آن‌ها حمله کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین را تهدید می‌کند. این واقعیت بیش از هر زمان روشن می‌شود که، حمله به روند تشنج‌زدایی، محیط بین‌المللی، با منافع حیاتی کشورهای نواستقلال برخورد می‌کند. هدف این حملات سوءتفاهد به منافع ملی این کشورها و دامن‌زدن به اختلافات میان آنان است. به دیگر سخن، سیاست ضد تشنج‌زدایی و تلافی‌جویی نواستعماری، پیوندهای عمیقی با هم دارند.

## در زمینه ایدئولوژی

در این زمینه هم امپریالیسم فعالیت‌های ضد خلقی و خرابکارانه خود را تشدید می‌کند. فعالیت‌های مراکز ایدئولوژیک امپریالیسم فوق‌العاده متنوع و رنگارنگ است. اما عصاره تمام حملات متقابل ایدئولوژیک امپریالیسم، آنتی‌کمونیسم و شوروی‌ستیزی است. آنتی‌کمونیسم و شوروی‌ستیزی محتوای اصلی توطئه‌های ایدئولوژیک امپریالیسم را، از تبلیغ جزورانه درباره دفاع از حقوق بشر گرفته تا دفاع آشکار از نژادپرستان و جلادان آدم‌کش، تشکیل می‌دهد.

این مطلب نیز جلب توجه می‌کند که امپریالیسم برای بسیج نیروها جهت حمله متقابل علیه جنبش‌های رهایی‌بخش، امیدواری به یکن دارد. عقب‌نشینی رهبران یکن از مواضع انقلابی و خط‌مشی برتری طلبانه آن‌ها، همگی از آمدهای سیاست امپریالیستی در دوران ما تبدیل شده است. درست همین هم‌پیوندی یکن با امپریالیسم به نیروهای تجاوزگر، که از تشنج‌زدایی ناراضی هستند، دلگرمی داده است.

نقاب انقلابی‌گری و ضد استعماری کاذب، که یکن گذار خود را به مواضع دشمنان سوسیالیسم، با آن استوار می‌کند، عملاً برداشته شده است. هرمنطقه‌ای از مبارزات رهایی‌بخش ملی را در نظر بگیریم، در همجای آن نشکین هم‌آوایی یکن با امپریالیسم که فعالیت‌های خود را با آن هماهنگ می‌سازد، آشکارا مشاهده نمی‌شود. کشورهای که در آن‌ها تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی انجام می‌گیرد، مانند آنگولا، افغانستان، اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن آماج حملات خصمانه ویژه یکن هستند.

بدین ترتیب، امروز سیاست یکن برای خلق‌هایی که در راه آزادی ملی و ترقیات اجتماعی مبارزه می‌کنند، فوق‌العاده خطرناک است. روند زندگی به‌طور روزمره نشان می‌دهد که این تصور، که گویا با

کلی جهانی و تامین امنیت بخش صلح و امنیت در سراسر جهان، دارای اهمیت فراوانی است.

## نتایج مبارزات رهایی بخش در سالهای ۷۰

در سال‌های هفتاد، در سیاست جهانی تحولات چشم‌گیری روی داد. این تحولات از این‌قرار بودند:

- پیشرفت جدید در تغییر تناسب نیروها در عرصه بین‌المللی منافع سوسیالیسم و آزادی ملی؛  
- موفقیت‌های بزرگ سیاست تشنج‌زدایی، که در نتیجه آن "آزادی عمل" متجاوزترین امپریالیسم به‌طور جدی محدود گردید؛  
- گسترش مقیاس‌های مبارزات ضد امپریالیستی و عملاً جلب تمام مناطق آزادی ملی و غنای محتوای این مبارزات.

ضربه درم شکنده تازه‌ای بر سیستم استعماری سنتی وارد آمد. آخرین امپراتوری مستعمراتی پرتغال از هم فروپاشید. به سلطه نژاد-پرستی در زیمبابوئه پایان داده شد. پیروزی ویتنام و نیروهای میهن‌دوست کامیونجی و لائوس در این سال‌ها از رویدادهای بسیار مهم بودند. این کشورها، با برخورداری از پشتیبانی سوسیالیسم جهانی، موفق شدند به قدرتمندترین امپریالیسم معاصر، که تلاش می‌کرد مبارزه رهایی‌بخش خلق‌های این منطقه از جهان را با کمک مداخله سلطه‌مانه وسیع سرکوب کند، غلبه کنند. انقلاب‌های خلقی در اتیوپی و افغانستان و پیروزی خلقی نیگاراگوئه ضربات نیرومندی بر امپریالیسم وارد کردند. بی‌پایگی آمدهای امپریالیسم برای حفظ تسلط خود، به کمک رژیم‌های دیکتاتوری، بار دیگر به اثبات رسید. انقلاب ایران یک شکست جدی برای امپریالیسم بود.

اما موقعیت ناهرابر حقوق کشورهای در حال توسعه در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی هنوز به‌جای خود باقیست و هنوز به بهره‌مندی امپریالیستی پایان داده نشده است. فاصله میان این کشورها و دول امپریالیستی بار لحاظ بسیاری از شاخص‌های اقتصادی مهم، نه تنها کم نشده، بلکه افزایش یافته است. بسیاری از کشورهای نواستقلال، که با تلاش‌های مسرانه امپریالیسم برای حفظ برتری‌های اقتصادی خود مواجه شده‌اند، به اقدامات فاطانه، یعنی ملی‌کردن اموال شرکت‌های خارجی متوسل می‌شوند. این اقدامات جزوانه به غنای محتوای واقعی حق حاکمیت مساعدت کرد و برقراری نظارت بر ثروت‌های طبیعی این کشورها را تامین نمود. در سال‌های هفتاد مسئله لغو ساختار نواستعماری استعمار در دستور روز قرار گرفت. در بسیاری از مجامع بین‌المللی، مواضع مبارزه برای استقرار نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی، که عاری از استعمار و ناهرابری حقوق باشد، فرمولبندی شد. اتحاد روزافزون و دفاع مشترک از منافع اقتصادی و پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، به مبارزه علیه سیاست نواستعماری اقتصادی نیروی عملی می‌بخشد.

رفیق برژنف در ارزیابی خط‌مشی سیاسی کشورهای نواستقلال خاطر-نشان کرد:

"درباره اکثریت این کشورها به‌طور مشخص می‌توان گفت که آن‌ها، در رویارویی با امپریالیسم، با نیروی فزاینده‌ای از حقوق سیاسی و اقتصادی خود دفاع می‌کنند و می‌کوشند استقلال خود را استحکام بخشند و سطح ترقیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خلق‌های خود را ارتقا دهند."

## مشی نو استعماری و مسائل مبرم همکاری نیروهای ضد امپریالیستی

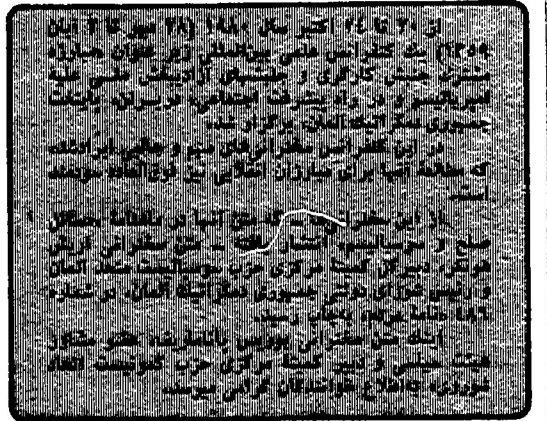
استراتژی نواستعماری متنوع امپریالیسم، و قبل از همه امپریالیسم آمریکا، چند هدف عمده زیر را دنبال می‌کند:

- نگهداری کشورهای در حال توسعه در سیستم اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، به عنوان طرف‌های وابسته و باج‌دهنده؛  
- کوشش برای آن‌که این کشورها در سبتر سیاست امپریالیستی قرار گیرند و نسبت به کشورهای پیرو سوسیالیسم واقفا موجود و کشورهای که در راه رشد سوسیالیستی به پیش می‌روند، مواضع ریاکاری اتخاذ کنند، - جلوگیری از رشد مستقل این کشورها، کند کردن آهنگ ترقیات اجتماعی از طریق تحمیل راه رشد سرمایه‌داری و حتی حفظ ساختار فئودالی و نیمه فئودالی آنان.

زمینه اقتصادی را بررسی می‌کنیم. در این زمینه به اصطلاح شرکت‌های فرا ملیتی، نقش نیروی ضربتی نواستعمار معاصر را ایفا می‌کنند. این شرکت‌ها، بدون پرهیز از هرگونه وسیله‌های، تلاش دارند که اقتصاد کشور-های در حال توسعه را زیر نظارت خود قرار دهند و از رشد صنعتی آنان به نفع خود بهره‌گیرند. انحصارهای بین‌المللی برزحتمندترین رشته‌های تولیدی را به‌منظور بهره‌مندی از نیروی کار ارزان، و نیز از رسته‌های از صنعت را که بیش از همه موجب آلودگی محیط زیست می‌شوند، به این کشورها منتقل می‌سازند. به دیگر سخن، مراکز امپریالیستی تمام "سرسر" انقلاب علمی و فنی را به‌مقدور اختصاص می‌دهند و تقالها و بین‌مانده‌های آن را در اختیار کشورهای وابسته می‌گذارند.

در زمینه سیاسی، محافل امپریالیستی، و قبل از همه ایالات متحده آمریکا، بدون توجه به درنهای ویتنام، از نو نظریه رهبری جهانی آمریکا را به‌میان می‌کنند و دوباره ادعاهای خود را درباره نقش زاندارم جهانی مطرح می‌کنند. علاوه بر این، آشکارا بازگشت به سیاست کژاخی "چاق بزرگ" را بی‌شرمانه اعلام می‌کنند. امپریالیسم کانون‌های تضادها و تکرک‌هایی بوجود می‌آورد و جنگ‌های منطقه‌ای را تحریک می‌کند. سیاست کمپد یوید به تشدید وخامت اوضاع خاور نزدیک منجر گردیده و بسیاری از نواحی این منطقه، از آن‌جمله لبنان، به مناطق درگیری مسلحانه متناوب تبدیل شده است.

شاید در تاریخ دهه‌های اخیر یک جنبش تبلیغاتی فترانه چون آمیزی، که از جانب محافل تبلیغاتی غرب و یکن در ارتباط با رویدادهای افغانستان بعراه افتاده، بی‌سابقه باشد. اما این تبلیغات در عمل هدفش استوار یک‌جانبی اقدامات و نقشه‌هایی بود: بعراه انداختن جنگ اعلام نشده در افغانستان، مطرح کردن ادعاهای بی‌شرمانه امپریالیسم آمریکادر



دردوران ما تماس و دیدار میان نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری و نمایندگان رده‌های گوناگون جنبش رهایی‌بخش ملی اهمیت ویژه‌ای دارد. ما سخنرانی رفیق اریش هونگر، دبیرکل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان را با دقت فراوان شنیدیم و با ارزیابی ایشان درباره اهمیت این گفتار و مهم بودن مسائلی که در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، هم عقیده هستیم. بدیهی است که هیئت نمایندگی ما مدعی آن نیست که بتواند به تشریح تمام مسائل و موضوعاتی که در این گفتار بررسی خواهد شد، می‌پردازد. هدف ما در این گفتار بیشتر تبادل نظر وسیع در مورد این مسائل است. به‌ویژه آن مسائلی مهم است که خود شرکت‌کنندگان بلاواسطه در جنبش‌های رهایی‌بخش ملی حاضر در این گفتار بیان کنند.

گفتار ما در شرایطی برگزار می‌شود که اوضاع بین‌المللی بسیار پیچیده است. به‌نگاه امپریالیسم، خطر جنگ‌شدید شده و نیروهای ارتجاع جهانی تلاش دارند به حمله متقابل دست بزنند و مواضع از دست‌رفته خود را بازیابند. این امر با سرنوشت صدها و صدها میلیون انسان در تمام قاره‌های جهان برخورد دارد. و طبیعی است که در سراسر کار این گفتار، این مطلب مورد بحث خواهد بود.

لغین بر این عقیده بود که جنبش رهایی‌بخش ملی، بخش جدائی‌ناپذیر روند انقلاب جهانی است. کمونیست‌ها نخستین کسانی بودند که توانستند به امکانات انقلابی عظیم خلق‌های زیرستم امپریالیسم توجه کنند و نخستین کسانی هستند که به‌طور بیکر از حقوق این خلق‌ها برای کسب استقلال و به‌تصرف مستقلانه دفاع می‌کنند. کمونیست‌ها همواره بیکرترین مبارزان راه آزادی خلق‌ها بوده و هستند. انقلاب کمپرسر سوسیالیستی اکثر قاطعانه‌ترین ضربه را به امپریالیسم در مراکز آن، به متروپولها و مستعمرات و نیمه مستعمرات تحت تصرف آنان وارد ساخت. همین امر آغازگر پیدایش بحران در سراسر سیستم مستعمراتی بود. شکست جبهه دول فاشیستی و ملیت‌پرستی در جنگ دوم جهانی به‌طور قطعی تناسب نیروها را به نفع سوسیالیسم تغییر داد و مبارزه در راه براندازی سلطه امپریالیستی را برای خلق‌های مستعمرات تسهیل کرد. سوسیالیسم جهانی برای انجام موفقیت‌آمیز مبارزه در راه فروپاشی امپراتوری‌های استعماری، شرایط بین‌المللی مساعدی پدید آورد. سرمایه‌داری به مرحله جدید بحران عمومی خود، که روزبه‌روز شدت می‌یابد، وارد شد.

ایستار صدور بهانه سال ۱۹۶۰ از جانب سازمان ملل متحد در مورد واگذاری استقلال به کشورهای و خلق‌های مستعمرات، به اتحادشوروی تعلق دارد. پس از گذشت ۲۰ سال، اهمیت تاریخی این ابتکار حالا روشن‌تر ملاحظه می‌شود. در این قطعه ماهیت سیاست اتحادشوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نسبت به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی بازیافت یافته است. طبقه‌رگر و احزاب کمونیست کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته در مبارزات رهایی‌بخش خلق‌ها سهم مهمی داشته‌اند. از نقشی که متلا احزاب کمونیست فرانسه، پرتغال، بریتانیا، کبیر، ایتالیا، هلند و دیگر کشورهای اروپای غربی در پشتیبانی از مبارزه خلق‌های کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ایفا کرده‌اند، همه آگاهی دارند. کمونیست‌های کشورهای در حال توسعه در راه به‌انجام رساندن انقلاب‌های ضد امپریالیستی وض فئودالی و در راه آینده سوسیالیستی و بهبود شرایط زندگی توده‌های خلق، مبارزات فداکارانه‌ای انجام می‌دهند. آن‌ها از اقدامات ضد امپریالیستی دولت‌های ملی، که موجب تثبیت پیروزی‌های به‌دست‌آمده می‌شود، فاطانه پشتیبانی می‌کنند، اما با اقدامات ضد دمکراتیک آنان در زمینه پایمال کردن منافع زحمتکش و اعمال ظایر با اصول استقلال ملی، مخالفت می‌ورزند.

اکنون جهان کوره‌هایی که به استقلال ملی رسیده‌اند، منظره‌های جالب و متنوع دارد. روندهایی که در این کشورها جریان دارد، در زندگی و سرنوشت خلق‌های ده‌ها کشور که جمعا ۵۰ درصد جمعیت کره ارض را تشکیل می‌دهند، تاثیر می‌گذارد. این روندها عبارتند از استقرار و سازماندهی حاکمیت رستاخیز ملی و اعتلای سطح اقتصاد و فرهنگ، و به دیگر سخن، بازسازی کامل تمامی شیوه زندگی، با برخورداری از تمام آن ارزش‌های متنوع و خودویژه‌ای که در گذشته اندوخته شده و استعمارگران سعی در نابودی آن‌ها داشته‌اند.

به‌طور کلی این جهان عظیمی است که کشورهای دارای شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و سطح زندگی، خصائل ملی و سنن فرهنگی متفاوت را در بر می‌گیرد. برخلاف سایر مناطق جهان، این منطقه فوق‌العاده متنوع و از لحاظ سیاسی بی‌ثبات است. اما یک عامل وجود دارد که اکثریت کشورهای این منطقه را با هم متحد و پیوسته می‌کند. این عامل روحیات ضد امپریالیستی است. عزم راسخ برای پایان دادن به استعمار و نواستعمار، نژادپرستی و تمام مظاهر ست‌ملی است. در این منطقه از جهان، کشور-های دارای سمت‌گیری سوسیالیستی عموما در روابط بین‌المللی نقش‌برجسته و روزبه‌روز فعال‌تری را ایفا می‌کنند. امروز بزرگترین عامل گروپارویی با استراتژی امپریالیسم در این منطقه، هند و نیجریه و دیگر کشورهای از این نوع هستند.

اکنون شرکت فعال کشورهای نواستقلال برای حل موفقیت‌آمیز مسائل

# ی و سوسیالیسم کی ناپذیرند

رسیدن به هدفهای درجه اول آزادی ملی، تأثیر متقابل سه جریان اساسی ترقیات جهانی، اهمیت قبلی خود را از دست می‌دهد، تا چه حد نادرست است. تنها کسانی می‌توانند وضع را چنین تصور کنند که در پیشرفت و ترقیات ملی و اجتماعی ذینفع نیستند، و کسانی که بر روی امواج مبارزات رهایی‌بخش ملی رو آمده‌اند و حالا بسوی سازش با امپریالیسم گرایش دارند.

نومبارز یک چنین برخوردی در خیانت سادات به منافع مبارزات رهایی‌بخش تبلور یافته است. امپریالیسم در همه جا سادات را تشویق می‌کند که سادات‌های کوچک و بزرگی را به بروراند و حاکمیت آن‌ها را تثبیت کند. در مواردی هم موفق می‌شود، و این مطلب هم‌باز به مبارزه طبقاتی در کشورهای آزاد شده و هم با گرایش‌هایی که در برخی از این کشورها در سمت نوزایی سرمایه‌داری پدید می‌آیند، ارتباط مستقیم دارد.

ما کمونیست‌های شوروی ایمان داریم که جنبش ضد امپریالیستی، با تمام بغرنجی‌ها و فراز و نشیب‌ها و در مواردی عدم موفقیت‌ها، در صورتی که با قاطعیت همراه با جریان کلی نیروهای انقلابی، صلح‌دوست و آزادی‌خواه دوران معاصر گام بردارد، آینده پیروزمندی خواهد داشت.

در دوران ما جنبش غیر متعهد به عامل موثر سیاست جهانی تبدیل شده است. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای تشریک مساعی کشورهای غیر متعهد اهمیت زیادی قائلند و صمیمانه سعی دارند که روابط و همکاری‌های خود را با این کشورها گسترش دهند. برای این امر پایه‌های معینی وسیع، علاقمندی متقابل، اشتراک و نزدیکی مواضع نسبت به مسائل عدم پیشرفت جهان وجود دارد.

در دوران اخیر ما ناظر آن هستیم که ارتجاع جهانی برای تپه کردن محتوای ست‌گیری ضد امپریالیستی جنبش غیر متعهدها، ایجاد تفرقه در میان کشورهای عضو آن و رودررو قرار دادن این کشورها با جامعه کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان، تلاش‌های روزافزونی به‌کار می‌بندد. وسیله‌ای که سعی می‌شود به کمک آن این تلاش‌ها تحقق پذیرد، به اصطلاح نظریه "دوری برابر" (هم از جهان سرمایه‌داری و هم از جهان سوسیالیستی) است. اما "دوری برابر" از سیاست صلح و سیاست جنگ، از سیاست رهایی‌بخش و سیاست نواستعماری، با اهداف تاریخی کشورهای غیر متعهد تناقض بنیادی دارد و از بالا رفتن نقش مستقل این کشورها در عرصه سیاست جهانی جلوگیری می‌کند.

حال بسیم جهت عمده همکاری کشورهای نو استقلال با کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌گرایی جهانی و دیگر نیروهای ترقی‌خواه کدامند؟ این همکاری‌ها قبل از هر چیز نیازمند از اقدام مشترک بمنفع استحکام صلح و امنیت خلق‌ها، در راه جلوگیری از تجاوزات امپریالیستی و ملیه تلاش‌های نواستعمار برای فائق آمدن به "روند تاریخ". در حال حاضر مبارزه بمخاطر استحکام صلح و کاهش وخامت اوضاع بین‌المللی، در حقیقت با مبارزه علیه نواستعمار و نژادپرستی و بمخاطر استحکام مبنای کشورهای نواستقلال ملی و بمخاطر آزادی اقتصادی آنان، پیوند ناگسستی دارد.

آن دوران که امپریالیست‌ها و برتری طلبان یکن می‌توانستند این نظریه را، که امر خلق سلاح برای این کشورها بیگانه است و سابقه تسلیحاتی برای آن‌ها یک مسئله مهم حیاتی نیست، تحمل کنند، سپری شده است. حالا در این کشورها نیک می‌دانند که سابقه تسلیحاتی چه ذخایر عظیمی راز آن‌ها می‌گیرد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی مذتها است که مصراجه پیشنهاد می‌کنند که سابقه تسلیحاتی پایان داده شود، بودجه‌های نظامی کاهش یابد و بخشی از این اعتبارات برای افزایش کمک به کشورهای آفریقا و آسیا و آمریکای لاتین تخصصی داده شود. در آخرین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اتحاد شوروی آمادگی خود را برای مذاکره درباره میزان آن مبلغی که هر کشور از بودجه نظامی خود می‌کاهد و برای افزایش یک چنین کمک اقتصادی تخصصی داده می‌شود، اعلام کرد.

خطی اتحاد شوروی برای کاهش تشبیهات بین‌المللی و خلق سلاح، با وظایف رشد و تکامل طبقات کامل دارد. و درست به همین علت است که مواضع کشورهای سوسیالیستی و کشورهای نو استقلال در مسائل خلق سلاح، و از آن جمله منع سلاح اتمی، آن قدر بهم نزدیک‌اند. این همگونی مواضع موجب آن شد که در اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای خلق صلح، نتایج سازنده‌ای به دست آید و این مطلب در اسنادی که مشترکاً در مجامع مختلف بین‌المللی به تصویب رسیده است، بازتاب یافته است.

اما تجربه نشان می‌دهد که تنها با قطعنامه‌ها و مصوبات خوب نمی‌توان از توطئه‌های نیروهای متجاوز امپریالیسم و مجتمع‌های نظامی و صنعتی، که پشت سر آن‌ها قرار گرفته‌اند، جلوگیری کرد. برای رسیدن به این هدف، ضابطت بیشتر همه نیروها، حرکت توده‌های وسیع مردم و همکاری همه کشورهای سوسیالیستی که با استحکام صلح و خلق سلاح علاقمند هستند، ضرورت دارد. در روابط میان کشورهای آزاد شده با کشورهای سوسیالیستی، اصول برابری حقوق، سود متقابل و همبستگی ضد امپریالیستی به‌طور مشخص به‌کار برده می‌شوند.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از ست‌گیری ضد امپریالیستی منشور حقوق و وظایف اقتصادی دول و اعلامیه درباره برقراری نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی، که در جریان همکاری‌های برابر حقوق تدوین شده و به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است، مجدانه پشتیبانی می‌کنند.

وظایف ریشتمند کردن شعبی و هرگونه مواضع مصنوعی در بازرگانی بین‌المللی، لغو هرگونه مظاهر نابرابری حقوق، انحصاف و بهره‌مندی در

روابط اقتصادی بین‌المللی، در ۲۵مین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، به‌منابه بخشی از برنامه تدوین مبارزه در راه صلح و همکاری بین‌المللی و بمخاطر آزادی و استقلال خلق‌ها، مطرح شده است. در اجلاس چندین‌پیش مجمع عمومی سازمان ملل متحد مربوط به مسائل اقتصادی، کشورهای سوسیالیستی از خواست‌های عادلانه کشورهای نو استقلال مجدداً پشتیبانی کردند.

از نفعی که کشورهای سوسیالیستی در ایجاد پایه‌های بنیاد صنعتی کشورهای نواستقلال ایفا می‌کنند، چنین واقعیتی گواهی می‌دهد که اکنون قریب ۴۰ درصد تولید چدن و ۳۰ درصد تولید فولاد در کشورهای آسیا و آفریقا، در موسساتی به‌مدست می‌آید که با کمک اتحاد شوروی در این کشورها احداث شده‌اند.

کمک‌ها و تجارب کشورهای سوسیالیستی در تدوین اصول استقلال ملی بر منابع طبیعی، اشکال و شیوه‌های استفاده از ثروت‌های طبیعی، در رشد و تکامل دانش در برنامه‌ریزی و سازماندهی آموزش و در پرورش کادرهای تخصصی‌های امور بهداشتی و درمانی در این کشورها، نقش بسیار مهمی دارد. اهمیت روابط فرهنگی، که به غنای متقابل ارزش‌های هنری-سماهدت می‌کند، بسیار با ارزش است. خود موجودیت و استحکام مواضع سیستم سوسیالیستی جهانی بر محیط روابط اقتصادی، میان کشورهای آزاد شده یا کشورهای امپریالیستی، تأثیر بسیار جدی دارد. کشورهای امپریالیستی اغلب ناگزیرند در اقدامات خود کمک‌های اقتصادی کشورهای سوسیالیستی را به‌محاسب بیاورند و در مقابل کشورهای آزاد شده متن به گذشت بدهند. چنان‌که می‌دانیم، امپریالیسم دستیاران یکنی آن، در تلاش‌های خود برای جدا کردن کشورهای در حال توسعه از جهان سوسیالیسم، از نظریه "فلاپی ملن" "فقیتر" در "جنوب"، که در برابر ملل "غنی" در "شمال" قرار گرفته‌اند - و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را جز آن‌ها به‌محاسب می‌آورند - بهره‌برداری می‌کنند. با این "نظریه" از ضمن تحریف وضعی که با روند تاریخی پدید آمده، مسئولیت وضع فلاکت‌بار خلق‌های "جنوب" را به گردن کشورهای سوسیالیستی می‌گذارند.

کشور ما درستی طرح مسئله درباره دریافت اعتبارات اضافی از خارج برای تأمین اعتبارات مالی برنامه‌های رشد اقتصادی مصمومات پیشین را انکار نمی‌کند. اما پرداخت چنین اعتباراتی بایستی به‌صورت جبران خسارتی که در گذشته از جانب امپراتوری‌های مستعمراتی سابق به کشورها می‌توانستند وارد آمده، انجام شود، و همچنین به‌منابه جبران خسارتی که اکنون به این کشورها، در نتیجه فعالیت شرکت‌های فراملیتی، وارد می‌شود.

همکاری‌های کشورهای آزاد شده با کشورهای سوسیالیستی و برقراری تشریک مساعی آنان با طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری در مبارزه علیه دشمن مشترک استعمارگر، یعنی شرکت‌های فراملیتی می‌تواند و باید به تحقق خواست‌های عادلانه این کشورها و قطع بهره‌مندی از خلق‌های کشورها در حال توسعه مساعدت کند.

## سمت‌گیری سوسیالیستی - وثیقه مبارزه موفقیت‌آمیز بمخاطر رستاخیز ملی و ترقیات اجتماعی

در دوران ما، مبارزه علیه امپریالیسم و بمخاطر استقلال سیاسی و اقتصادی، در عین حال مبارزه است علیه نیروهای ارتجاع داخلی، که تکیه‌گاه امپریالیسم هستند.

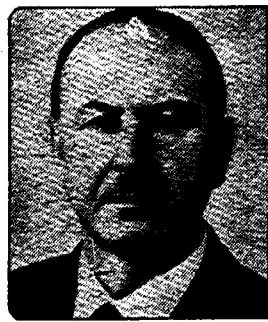
در رده‌های مقدم این مبارزه در منطقه رهایی‌یابی، اکنون کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی و یا کورهایی که در راه رشد سوسیالیستی به پیش می‌روند، قرار دارند. در این‌جا منظور کورهایی است که دارای سطح رشد متفاوت و درجه متفاوت رشد روابط اجتماعی هستند. در میان این کشورها، در مورد هدف‌های مشخصی که در مرحله کنونی از جانب پیشاهنگ رهبری‌کننده آن‌ها در برابرشان قرار گرفته، تفاوت‌هایی وجود دارد. اما به‌طور کلی سخن بر سر آن کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای مرکزی است که پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، ضد فئودالی و دیموکراتیک، در راه سوسیالیسم و یا گذار به سوسیالیسم قرار گرفته‌اند.

طی ده‌ساله اخیر، دایره آنگونه کشورهای توسعه یافته است. این یک امر مهمی است. این امر گواه آن است که در دوران ما، به‌مقیاس جهانی، دوران گذار بشریت از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است. روند حوادث به‌طور روزمره نتیجه‌گیری‌هایی را که در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ثبت گردیده، تأیید می‌کند. در این برنامه گفته می‌شود:

"سرمایه‌داری راه رنج‌ها و مشقات ملت‌هاست. این راه ترقیات سریع اقتصادی و براندازی فقر را تأمین نمی‌کند."

زندگی هر روز این واقعیت را تأیید کرده و تأیید می‌کند که کشورهای نواستقلال نمی‌توانند با امپریالیسم همراه باشند. منافع عینی آنان در حال حاضر، در آینده، با منافع کورهایی که سوسیالیسم در آن‌ها پیروز شده، نزدیک است و با منافع دارد. کشورهای سوسیالیستی از نیروها و جنبش‌های انقلابی و دیموکراتیک، که طرفدار گزینش راه سوسیالیستی هستند و سعی در تحقق بخشیدن به سوسیالیسم دارند، مجدانه پشتیبانی می‌کنند. این پشتیبانی بازتاب مشخص خملت انترناسیونالیستی سیاست خارجی سوسیالیسم است. کورهایی هم که راه رشد سوسیالیستی را برگزیده‌اند، بمنوبه خود، به‌حق در سهامی جامعه کشورهای سوسیالیستی، نزدیک‌ترین دوست و هم‌وزم طبیعی خود را در امر مشترک می‌بینند. موجودیت سوسیالیسم واقعی به کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی امکان می‌دهد که به‌منوبه‌موتوری در برابر سیاست مداخله‌گرانه و تجاوز امپریالیستی بایزاری کنند، از تجارب کشورهای سوسیالیستی در ساختمان زندگی نوین برخوردار شوند، به کامیابی‌های دانش و تکنیک معاصر دست یابند و در پرورش کادرهای فنی متخصص توفیق حاصل کنند.

میان کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی و جامعه کشورهای سوسیالیستی روابطی پدید آمده و می‌آید که از لحاظ بسیاری مبتنی بر اشتراک هدف و منافع‌اند. این روابط، روابط همبستگی، کمک متقابل و همکاری با سود متقابل است.



یوریس پاناماریف،  
عضو مشاور هیئت سیاسی  
و دبیر  
کمیته مرکزی  
حزب کمونیست اتحاد شوروی

نظام سوسیالیستی در جریان مبارزه قاطعانه نیروهای پیشرو جامعه و در نتیجه کار و کوشش سازنده تمامی خلق بوجود می‌آید. تنها در این صورت است که نوع جدید روابط اجتماعی، انسان نوین و انسان وجاهد-ای که در راه سوسیالیسم به‌پیش می‌رود، استقرار می‌یابد.

مطلب عمده البته عبارت از آن است که موفقیت کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی هر چه بیشتر پایدار و استوار شود. و این وظیفه آسانی نیست، زیرا که امپریالیسم، به همراه نیروهای ارتجاع داخلی، به‌طور مستمر تلاش‌هایی به‌کار می‌برد، تا نظام مترقی را تخریب کند.

سراسر تجارب تاریخ گواه بر آن است که برای حفظ و استحکام مواضع مترقی این‌گونه کشورها:

- داشتن حزب انقلابی، که جامعه را رهبری کند و بر پایه سوسیالیسم علمی عمل نماید.
- استحکام تمام ارگان‌های دیموکراتیک، که پس از براندازی سلطه‌استعماری بوجود می‌آیند، از پایین تا بالا.
- آماده کردن و پرورش کادرهای حزبی و دولتی وفادار به امر زحمتکشان و سوسیالیسم.
- تقویت نیروهای صلح ملی، که قادر به دفاع از دستاوردهای خلق باشند.
- گسترش مداوم روابط حزب و دولت با توده‌های خلق و جلب زحمتکشان به اداره امور اجتماعی.
- اجرای سیاست اقتصادی و اجتماعی درست، که استحکام مبنای استقلال کشور و امتلاهی سطح تولید و سطح زندگی اهالی را تأمین کند.
- گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی - صادق‌ترین و مطمئن‌ترین دوستان کشورهای آزاد شده مستقل، دارای اهمیت فراوانی است.

با این‌که کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی و یا کشورهای با راه رشد سوسیالیستی، در مراحل مختلف تکامل قرار دارند، اما در تمام این کشورها لزوم رهبری رده‌های سیاسی از جانب حزب انقلابی پیشاهنگ در درجه اول قرار می‌گیرد. ارتباط این حزب با توده‌های خلق نقش عظیمی ایفا می‌کند. زندگی می‌آموزد که تنها حزبی که در اعماق توده‌های خلق زندگی می‌کند، روحیات و آرمان‌های خلق را درک می‌کند، شیوه برخورد با توده‌ها را می‌داند و می‌تواند اعتماد آن‌ها را جلب کند، در عین حال می‌تواند خط‌مشی ست‌گیری سوسیالیستی را تحقق بخشد.

برای تحقق پیگیر اندیشه‌های سوسیالیستی بایستی مقاومت عناصر اجتماعی مخالف و ریزاننده‌های گرایش‌های کهنه را بر طرف ساخت و مسائل ملی، نژادی و مذهبی را در چارچوب حاکمیت دیموکراتیک حل کرد. جلب جوانان به امور دولتی و کار حزبی و سیاسی در ارتش و جلب آن به کار بازسازی اجتماعی، در جریان ایجاد دستگاه دولتی جدید، حائز اهمیت فوق‌العاده است.

حل همه این مسائل بفرنج ایجاد می‌کند که تعداد زیادی کارشناس حرفه‌ای در زمان بسیار کوتاهی پرورش داده شود. این امر به‌موجب آسان نیست، اما قابل اجرا است، به‌ویژه با در نظر گرفتن امکان استفاده از تجارب و کمک‌های اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی. کورهای ما برای پرورش کادرهای تخصصی‌کننده است و همچنین آماده‌ام که کارشناسان خود را برای پرورش کادرهای تخصصی به این کشورها بفرستیم. مهم‌ترین عرصه فعالیت احزاب پیشاهنگ، عرصه سیاست اقتصادی است. بفرنجی این مسئله در آن است که باید، در زمان واحد، هم به ایجاد بنیاد مادی و فنی و هم به بهبود وضع زندگی زحمتکشان پرداخته شود. در چنین شرایطی، رهبری کشورهای دارای ست‌گیری سوسیالیستی راه چاره را در آن می‌بینند که به‌تدریج پیروزی کنند و از پرستاب کردن مصنوعی تحولات اجتماعی بر حذر باشند. بدیهی است که مسئله بهره‌برداری با صرفه از منابع داخلی و استخراج و بهره‌برداری از منابع طبیعی در درجه اول قرار می‌گیرد. توسعه تعاونی‌ها در امور کشاورزی و پیشموری، متناسب با فراهم شدن شرایط لازم برای بهبود کار موسسات صنعتی بخش دولتی، دارای اهمیت فراوانی است. تجارب گواه بر آنند که بخش خصوصی، با حفظ نظارت لازم از جانب دولت، می‌تواند نقش سودمندی داشته باشد.

استفاده از منابع درونی، با پرورش احساس برخورد جدید نسبت به کار، که بر بنیاد انضباط آگاهانه و شناخت مشکلات رشد اقتصاد نوین استوار باشد، پیوند دارد.

تکته حلال و سرنوشت‌ساز، که ضامن موفقیت ست‌گیری سوسیالیستی است، عبارت است از دستیابی به چنان وضعی که زحمتکشان ثمرات انقلاب را عملاً لمس کنند، و نه تنها از لحاظ هنری و نیاسی، یعنی به دست آوردن شخصیت انسانی و احترام به اهل کار و زحمت، بلکه همچنین در زمینه بهبود ملموس شرایط زندگی.

برای کورهایی که راه تحولات سوسیالیستی را برگزیده‌اند، تجارب بنیادگذار جامعه نوین، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اندوخته‌اند، بسیار با ارزش است. چنان‌که می‌دانیم، جمهوری یوگوسلان، بدون گذار از مرحله سرمایه‌داری، به ساختمان سوسیالیسم پرداخت. از سیاست اقتصادی جدید، که لنین بزرگ تدوین کرد، تجارب پرارزشی در این‌باره به‌مدست آمد که چگونه حاکمیت انقلابی، با در دست داشتن مواضع کلیدی در اقتصاد چند رشته‌ای، می‌تواند منافع زحمتکشان روستا و شهر را با منافع دولت و منافع ساختمان سوسیالیستی هم‌هانگ کند.

ضمن بیان اهمیت تجارب کشورهای سوسیالیستی، لازم به تذکر است بقیه در صفحه ۷۰

کیلومتر از  
سلح آمریکا  
لاشوزارت  
جزیره  
برای ایجاد  
هم‌ه‌های  
جنبش‌های  
برای همه  
زم‌ه‌های  
پاراگوئه و  
ای جعی و  
امکان‌پذیر  
نیروی عمده  
سیا و آفریقا  
تخلافات  
ری می‌کند.  
رد اختلافی  
بینی وجود  
استعمار و از  
ران مسائل  
با شیوه  
مادلانده و  
منافع این  
وظیفه‌مندی  
می‌آید که  
می‌برد تا  
ناقش‌میان  
طریق اولی  
است.  
روشنف در  
ان خود را  
مسائلی را  
سائلی را که  
آسانتری  
تلفات  
کشورهای  
بشی از هر  
مللی، با  
حل مسائل  
آن‌اتانت.  
استعماری  
کارانه خود  
فوق‌العاده  
سوزیک  
و شوروی  
از تبلیغ  
بهرستان و  
بج نیروها  
ی به یکن  
نری طلبانه  
دلیل شده  
جاوزگر.  
ود را به  
اشته شده  
بگیریم  
بیت‌های  
شود.  
انجام  
تیک خلق  
ادی ملی  
و با با

# دهقانان و دفاع از انقلاب، بزرگ مالکان و بسیج عشایری

## دهقانان مبارز در صف اول جبهه

بسی از ۶ ماه از آغاز تجاوز آمریکا به ایران می گذرد. اکنون دیگر برهنگان روشن است که توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه برای تجزیه ایران و سرکوب انقلاب، به همت توده های زحمتکش میهنمان، با شکست روبرو شده است. مردم ایران در این راه تاکنون هزاران شهید و مجروح بجاکذاشته اند. در این میان دهقانان مبارز نیز در دفاع از انقلاب خویش، در اولین فرصت خود را به مراکز اعزام معرفی کردند و در صف مقدم نبرد علیه تجاوزگران صدامی قرار گرفتند. خون دهها شهید دهقان مبارز با خون دیگر رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن درهم آمیخته است و همچنان درخت انقلاب را آبیاری می کند. بسیاری از دهقانان نیز در این مصافحین حق و باطل، بین انقلاب و ضدانقلاب، بین میهن انقلابی و تجاوزگر صدامی - آمریکایی



نادر شیخ الاسلامی، کشاورز، اهل میانه، که در جبهه جنگ علیه تجاوزگران صدامی مجروح شده است.

زخمی شده اند. نادر شیخ الاسلامی، دهقان آذربایجانی، اهل میانه، یکی از آنها است که در جبهه میماند. او را در این صفحها می بینیم و مصاحبه کوتاهی را با او می خوانید. نادر شیخ الاسلامی می گوید: "۳ سال قبل در ایران انقلاب شد، انقلابی صدامی امپریالیستی و مردمی انقلاب ما به منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه ضربه مهلکی وارد آورده است. به همین دلیل است که

او جرات هیچ اقدامی را ندارند. دهقانان مرفه، با بزرگ مالک بستگی و خویشاوندی دارند و اگر ما موری هم از شهر بیاید، آن ها اطرافش را می گیرند و نمی گذارند صدای ما به گوش آن ها برسد. بزرگ مالک دو ماه زندان بود. در این مدت اهالی تصمیم گرفتند زمین های وی را بین خود تقسیم کنند. با بیرون آمدن مالکها از زندان، امید خوشنشینها و کم زمینها قطع شد. راستش آزادی مالکین بطور کلی روستاییان را دلسرد کرد. یکی دیگر از روستاییان اضافه می کند: "یکبار قبل از اینکه مهاجمین به دایار حمله کنند، این خبر را بزرگ مالک به مردم داد. دو روز بعد وی گفت که حمله نمی کنند. روز سوم مهاجمین در مانگا راه را بستند. در مانگا با خانه بزرگ مالک ۱۰ متر فاصله دارد. بزرگ مالک ۲۰ اسلحه داشت و دو سگ هم آن موقع دولت در اختیارش گذاشته بود. ولی هیچ اقدامی نکرد. مهاجمین بزرگ مالک های سبز بلاغ و خوره زردی هم حمله کردند. بعد از زندان رفتن مالکان این هجومها قطع شد.

روستایی دیگری از این روستا هم درباره ظلم و ستم بزرگ مالک می گوید: "قبل از اینکه بزرگ مالک به زندان برود، مقداری از زمینهایش را به یک روستایی اهل این ده داد. این شخص سهم مالک را نمی دهد و به استخدام بسیج درمی آید. بزرگ مالک پس از آزادی از زندان جز سرپرستهای بسیج می شود. در آنجا بزرگ مالک و پسرش این شخص را به این ناهنجار زمینهای آنها را به زور تصاحب کرده است، حسابی تنگ می زند. آن هم نه با دست خالی، بلکه با میله آهنی، بطوری

در روستای "دایار" اراضی بزرگ مالک هنوز به دهقانان واگذار نشده است. او جز چهار مته می است که روستاییان منطقه سنجایی علیه آنها راهپیمایی کردند. روستاییان در انتظارند که همین جبهه هستند، لیکن از وجود بزرگ مالکان در بسیج عشایری نگرانند.

روستای دایار در ۶ کیلومتری شمال غربی کورزان، مرکز بخش سنجایی، از توابع اسلام آباد غرب است. دایار مرکب از سه آبادی بنام های سیاسی، اسدخانی و یابوری است. در این روستا ۸۰ خانوار زندگی می کنند، که از میان آنان ۲۱ خانوار خوشنشین و ۵۹ خانوار کم زمین هستند. بزرگ مالک دایاری از چهار مته می است که روستاییان سنجایی علیه او راهپیمایی کردند. این بزرگ مالک محکوم به زندان شد بعد از آن که شخص مذکور در روستاهای تخت گاه، کجکینه، سفیدچیا، گلاره، ولی آباد، حسین خان و قیصوند هم زمین داشت، که در تمام روستاهای فوق اراضی متعلق به وی به روستاییان خوشنشین واگذار گردید. و تنها در روستای حسین خان ۴۰ هکتار زمین به بزرگ مالک رسید. اما در روستای دایار این بزرگ مالک ۲۹ هکتار زمین دارد، که هنوز دست نخورده مانده و واگذار نشده است.

از اهالی دایار علت تاخیر در واگذاری اراضی بزرگ مالک به دهقانان تهنیدست را جویا می شویم. یکی از آنان می گوید: "دهقانان، که اکثر آنها بی زمین هستند، از ترس بزرگ مالک و اطرافیان

گردید که به هر یک ۸۰ تا ۱۰۰ من تعلق گرفت.

یکی از روستاییان درباره مکر و حیله بزرگ مالکان می گوید: "چند وقت پیش ۲۳ نفر از اهالی این روستا با سندسازی زنی یکی از مالکین به اتهام تصرف زمینها به زندان می افتند. در صورتی که طرف هیچ گونه حقی بر زمینها نداشته و در اصل زمینها از آن خود روستاییان بوده است. دادستان در این دعوا از دهقانان حمایت می کند و اعلام می دارد که اگر بمر یکی از این ۲۳ نفر بلای بیاید، پدر مالک را درمی آورد." عدالت در اینجا به وظیفه انقلابی خویش با سر بلندی عمل کرد. دهقان دیگری در مورد آمادگی روستاییان زحمتکش در دفاع از انقلاب و اعزام به جبهه وحمله تازه بزرگ مالکان می گوید:

در روستای "گلا" که بزرگ مالک به دهقانان تهنیدست واگذار شده است.

دهقانان این روستا آمادها اعزام به جبهه هستند و از اینکه بزرگ مالکان آنها را برای شرکت در بسیج عشایری قضا خوانده اند، بسیار ناراحت و نگرانند.

روستای گلا که ۶ کیلومتری و اونسر پاره قرار گرفته است. (۶۴ خانوار ۲۲ خانوار خوشنشین) کل زمین بزرگ مالک ۶۰ هکتار (۱۵۰ هکتار) است. این شخص در شهر نیز دارای منابع درآمد سرشاری است. از ۶۰ هکتار زمین، ۵۰ هکتار آن توسط هیئت هفت نفری و با حمایت و پشتیبانی خوشنشینان به دهقانانی تعلق گرفت که بزرگ مالک در گذشته زمین آنها را غصب کرده بود و ۱۰ هکتار باقیمانده نیز بین ۲۲ نفر خوشنشین تقسیم

### اهالی روستای «رودبار سرای هشتر» طوالش صمیمانه از اقدامات پیگیرانه شرکت برق منطقه ای تشکر می کنند

کفند و با احساس مسئولیت نسبت به انجام مراحل مقدماتی برق رسانی تریه اقدام نمودند. تا جایی که در آستانه سال نو، کفند، تریه های برق نصب شده و آماده سیم کشی بود. دهقانان روستای رودبار سرای هشتر صمیمانه از شرکت برق منطقه ای گیلان تشکر می کنند و بدین مناسبت ابراز امید کرده اند که سایر ارگان های مسئول کنونی نیز در جهت خواست های محفل مردم، با کمک خود آنها پیگیر باشند.

دهقانان تاکید می کنند که در این موقع که ما سرگرم سردی آمان با امپریالیسم آمریکا هستیم، اگر بدین ترتیب عمل شود، علاوه بر رفع مشکلات مردم، بهانه ای به دست عناصر فرصت طلب و ضدانقلاب نخواهد افتاد.

### پرسش از مسئولان متعهد وزارت کشاورزی

به این شکل و در این شرایط، بطور کلی بود بزرگ مالکان و منتقدین ده که منحصر برای بازار فروش تولیدی می کنند و سود واسطه ها تمام خواهد شد. یعنی آنچه که دولت محصول را بخرد، باز سود را زمینداران بزرگ و منتقدین ده خواهند بود. با در نظر گرفتن این واقعیت، پرسش های زیر مطرح می شود، که تا بسته است پیرامون آنها اندیشید: ۱- توزیع آن محصولات کشاورزی،

**دهقانان!** برای دفاع از میهن خود، زیر فرمان سپاه پاسداران مسلح شوید و آمادگی خود را برای شرکت در نبرد به نهادهای انقلابی اعلام کنید

# پاسخ به چند پرسش

## درباره هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

فروردین ماه ۶۰ در تهران هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. خوانندگان گرامی استاد و ملاحظه آراء در نامه مردم خوانندگان زودی نیز سلسله مقالاتی در توضیح و تشریح برنامه حزب توده ایران - این سند اساسی حزب - در نامه مردم انتشار خواهد یافت.

لی مدنی که از انتشار نامه و اسناد هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی میگوید، یا عدم نیابت زینبی از دولت و هواداران حزب و خوانندگان نامه مردم را در جریان ۱۳۶۰ دقیق از منای و از پلنوم گذشته و با میروند که آن کلمه وسیع داخل راجع به سیاست و توسعه میکند که حرفه این مظهر و پرورشهای دیگر نیز در هفدهمین پلنوم است. در این پلنوم و سیاست و توسعه و ترقی که در اسناد پلنوم ذکر شده و سیاست در نامه مردم چاپ شود.

در اجلاس این خواستگاران در روزهای ۲۰ و ۲۱ از این مطلبی توضیحاتی به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

ارگانهای خود را سفند و پس از تجزیه و تحلیل سیاست حزب و کشف نارسائیا و کمبودها، راههای رفع آنها و شیوه بهبود کار حزب را، چه در سطح کشور و مسائل نهیست و چه در ذرون حزب و مسائل سازمانی، تعیین میکنند. پلنوم همچنین ارگانهای رهبری حزب را انتخاب میکند. معمولاً هیئت سیاسی و هیئت دبیران و دبیران اول - یا دبیر کل - از جانب پلنوم کمیته مرکزی انتخاب میشوند. اگرچه الزامی نیست که هر بار در پلنومها چنین انتخابی صورت گیرد. عرف معمول در اجزای که مرتباً پلنومهای خود را تشکیل میدهند اینست که، هر بار پس از تشکیل کنگره، در اولین پلنوم، هیئت سیاسی و هیئت دبیران و دبیر اول - یا دبیر کل - برگزیده میشوند و دیگر در هر پلنوم تجدید انتخابات بعمل نمی آید. مگر آنکه در موردی خاص تغییر در ترکیب یا برکناری لازم آید. البته این حق همیشه برای پلنوم محفوظ است که هیئت سیاسی و هیئت دبیران و دبیر اول - یا دبیر کل - را انتخاب کند. در صورتیکه ضرورت سیاسی یا تشکیلاتی مینماید اقتضا کند پلنوم از این حق استفاده میکند و ارگانهای خود را تجدید انتخاب میکند.

از فعالین و کادرها دارد، یا میخواهد آنها را بیشتر و وسیعتر با مسئولیات خود مستقیماً آشنا کند و بهتر سیاست عملی حزب را به پیشبرد، علاوه بر اعضای کمیته مرکزی و مشاورین، از یکسده از کادری بالا و فعالین برجسته یا مسئولین محلی و یا متخصصین مسائل ویژه (آنتنگام) که پلنوم یک مسئله ویژه را بررسی کند) دعوت میکند تا، بعنوان میمان، در جلسه عمومی (پلنوم) شرکت کنند. گزارشها را بشنوند و در بعضیها شرکت کنند. بدون آنکه خود حق رای داشته باشند. چنین مجمع عمومی کمیته مرکزی را با شرکت مسئولان و کادرها و فعالین دعوت شده، پلنوم وسیع میخوانند. چون این پلنوم از نظر شرکت کنندگان با پلنوم عادی فرق دارد و وسیعتر از آن است. واژه وسیع در پراست اضافه میشود.

کمیته مرکزی برای انجام وظایف خود و رهبری کارهای حزبی مجموعه ای از ارگانهای محدود و اجرائی ایجاد میکند. مهمترین آنها هیئت سیاسی است (که سابقاً مدتی آنرا هیئت اجرائیه هم مینامیدیم) و هیئت دبیران.

در اسناد پلنوم (وسیع) هفدهم گفته شد که این ارگانها و همچنین دبیر اول باتفاق آراء توسط پلنوم برگزیده شدند.

هیئت سیاسی در فاصله دو پلنوم کمیته مرکزی، رهبری فعالیت های سیاسی حزب را برعهده دارد. هیئت سیاسی شعب مرکزی را، برای انجام وظایف مشخص در رشته های گوناگون و در زمینه های مختلف، تشکیل میدهد و مسئولین آنها را تعیین میکند. اضافه هیئت تحریریه و نشریات ارگان را میکاره. فعالیت هیئت دبیران از زیر نظر میگیرد و خلاصه وظایف گوناگون و بر مسوولیت سیاسی - سازمانی - ایدئولوژیک دارد.

هیئت دبیران از گانی است تنظیم کننده و اداره کننده، که علاوه بر وظایف است و مسایل اجرای تصمیمات تنظیم کننده توسط پلنوم و هیئت سیاسی را نیز فراهم کند و شرایط مناسب را برای اجرای تمرین و کارهای این تصمیمات بوجود آورد. پیگیری برای اجرای وظایف و نظارت بر کارها و اداره دستگاه مرکزی برعهده هیئت دبیران است. که زیر نظر دبیر اول - یا دبیر کل - کار میکنند. دبیران اول - یا دبیر کل - علاوه بر وظایف و اختیارات مشخصی که طبق اسنادنامه دارد، هماهنگ کننده کارهای هیئت سیاسی و هیئت دبیران است.

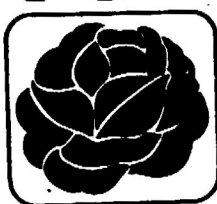
طبق اسنادنامه حزب ما، هیئت دبیران از بین اعضای هیئت سیاسی انتخاب میشود. در برخی احزاب برادر، الزاماً اعضای هیئت دبیران از اعضای هیئت سیاسی هستند، اگرچه اکثریت آنان اعضای هیئت سیاسی هستند.

برنامه حزب نیز عبارتست از سند اساسی یک حزب سیاسی، که در آن هدفها و وظایف، مسائل عمده، مسوولیت و راههای پیشنهادی و نظریات حزب قید میگردد. چنین سندی قانون اساسی حزب است و هر عضو حزبی یا قبول آن ضرورت را میپذیرد و برای تحقق بخشیدن به آن فعالیت میکند.

اسنادنامه نیز عبارتست از سند اصلی سازمانی و مجموعه موازینی که بر زندگی درونی حزب حکمفرماست و مقررات و قواعدی که باید رعایت شود. در اسنادنامه و مسایل کار سازمانهای حزبی و نحوه تشکیل ارگانها و رهبری آن و چگونگی تشکیل کنگره ها و پلنومها و جلسات و حوزها و غیره تشریح میشود.

سیاسی - اجتماعی از تشریحات حزب توده ایران - چاپ اول ۱۳۵۰ - چاپ پنجم ۵۹، صفحات ۲۹ تا ۸۳ مراجعه کرد.

### چاپ جدید تقویم سال نو



۱۳۶۰ بزودی منتشر میشود

### برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

ایفا خواهد کرد ما به این مطلب ایمان داریم که نیروهای ارتجاع، ملیتاریستی و غارتگران استعماری، هر قدر هم به تلاش و تب و تاب بپوشند، امر آزادی و ترقیات اجتماعی سطحی جدائی ناپذیرند. به هم پیوستگی و اتحاد سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری جهانی، نیروهای رهایی بخش ملی و ژئیه بیرونی نهایی این امر است.

طلبانه پکن، که با امپریالیسم همپوندی دارد - مبارزه به خاطر نسو سازی دمکراتیک در روابط اقتصادی بین المللی و البته مبارزه مستمر علیه ترسملترین استیغناژوریک امپریالیسم، علیه کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، که برای استعمار خشن تجاوزکارانه - استعماری از آن بهره برداری میشود.

۳- مانند گذشته، و حسی به درجات فزاینده ای، اقدامات مشترک احزاب حاکم در کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست کشورهای دیگر و احزاب پیشاهنگ در کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی و تمام نیروهای قرق خواه کشورهای نواستقلال، در حل مسائل بنیادی رشد و تکامل جهان، نقش تعیینی

علی (بدل) است که جانشینان شایسته و وارد تربیت شوند و در صورت لزوم از بین آنها برای عضویت در کمیته مرکزی و ادامه کاری در رهبری حزب، که اصل سازمانی بسیار مهمی است، افرادی انتخاب گردند. البته این بدان معنا نیست که همه اعضای مشاور حتماً و خود بخود بدل به اعضای رسمی و کاملاً حقوق کمیته مرکزی خواهند شد؛ این بسته به شایستگی و فعالیت آنها و نیازهای سازمانی حزب است و به آن معنا نیست که عضو تازه کمیته مرکزی نمیتواند از بین سایر کادرها و فعالین، که مشاور کمیته مرکزی نیستند، برگزیده شود.

پس مجمع عمومی اعضای کمیته مرکزی و اعضای مشاور کمیته مرکزی را پلنوم میخوانیم. عده اعضای کمیته مرکزی و مشاورین میتواند - بسته به وضع حزب - بسیار مختلف باشد. گاه ده بیست نفر بیشتر نیستند و حتی گاه کمتر از این و گاه چندین ده نفر و حتی چند صد نفر. در احزاب مختلفه در زمانهای مختلفه این ارقام متفاوت است.

جلسات عمومی یا پلنومها نیز در شرایط عادی و هنگامیکه مانی برای تشکیل آن نباشد، تعداد سالیکار، دوباره، سه بار تشکیل میشود. تا مسایل مهم را در حضور تمام اعضای رهبری به بحث گذارد و اصل رهبری جمعی را، که از اصول سازمانی مهم است، عملاً اجرا کند. ولی البته این فواصل الزامی نیست. گاه در اسنادنامه های احزاب برآورد این فاصله قید یا توصیه میشود. برآورد شرایط دشوار فاصله ها می تواند طولانی تر شود و یا هر گاه مسائل حاد و فوری پیش آید که تبادل نظر کلیه اعضای رهبری را ضرورت کند، میتواند در فواصل کتری تشکیل شود. هر گاه شرایط مساعد باشد و مشکلات ویژه ای درین زمینه، وظیفه مسلم کمیته مرکزی است که بموقع و در فواصل کتر پلنوم خود را تشکیل دهد.

پلنوم میتواند مسایل عمومی کشور و حزب را بررسی کند و یک گزارش عمومی را استماع کند و تا کنگره بعدی تغییرات ضرور را در برنامه یا اسنادنامه یا ترکیب رهبری، از طریق برگزینی بوجود آورد. گاه پلنوم میتواند برای موضوعهای ویژه ای تشکیل شود که رهبری حزب بحث چندگانه آنرا ضرور بداند. مثلاً در دستور کار پلنوم مسئله ملی، یا مسئله وحدت سازمانی، یا مسئله کشاورزی، یا مسائل ایدئولوژیک و غیره قرار گیرد. در اینصورت دیگر تنها آن مسئله ویژه مطرح است نه کلیه مسائل عمومی کشور و حزب. احزابی که در حکومت هستند و نیروی رهبری کننده کشورهای سوسیالیستی را تشکیل میدهند، از این نوع پلنومها، که موضوع و مسوول ویژه دارند، زیادی گوار میکنند. اگر چه در احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری نیز چنین پلنومها، مثلاً برای قسط بحث درباره نحوه کار در بین روشنفکران، قسط بحث درباره مسئله سیاست خارجی و حفظ صلح و حزب، در برنامه انتخاباتی و پیشنهاد نامزدها و غیره تشکیل میشود.

گاه این یا آن پلنوم اهمیت ویژه ای در حیات حزبی می یابد و تصمیمات مهمی در آن، بعلت شرایط خاص و حساسیت، لحظه، اتخاذ میشود که در واقع پیش ازیک تبادل نظر همه اعضای رهبری است و لذا تصمیم مربوطه ارزش تاریخی پیدا میکند. در تاریخ بسیاری از احزاب برآورد چنین پلنومهایی بوده است.

رهبری حزب، گاه برای آنکه مسائل مهمی در دستور روز است و نیاز به تبادل نظر یا عدم بیشتری

واژه پلنوم بمعنای مجمع همگانی یا مجمع عمومی است و از ریشه لاتینی آمده و در زبانهای مختلف دنیا مرسوم شده است. هنگامیکه همه اعضای یک ارگان یا گروه رهبری تشکیلند یا جمعی گروه می آیند، تا درباره مسائل مورد نظر بحث کنند و در حیطه صلاحیت خویش اتفاق تصمیم کنند آن مجمع را پلنوم میخوانیم. مثلاً در سازمان ملل متحد، هنگامیکه کلیه کشورهای عضو در جلسه عمومی گرد می آیند آن جلسه را پلنوم یا مجمع عمومی می نامند. همین اعضاء در کمیته های مختلف نیز، که در اسنادنامه سازمان ملل متحد نیز مینویسند، گرد می آیند ولی سالیکار، در پایان تابستان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا پلنوم آن تشکیل میشود و البته گاه - هر وقت ضرورتی اقتضا کند - برای مسائل خاص پلنوم فوق العاده یا مجمع عمومی فوق العاده (یعنوان مثال برای بحث درباره مسئله خلع سلاح یا مسئله فلسطین و غیره) تشکیل میشود. مثال دیگر: در سازمانهای اداری و تعاونی و مالی و غیره هم می بینیم رهبری یا شوراهای نمایندگانی وجود دارد که از گانی برتی است و مدیریت واحد مربوطه را برعهده دارد. این ارگان وقتیکه جلسه عمومی تشکیل میدهد، آنرا پلنوم یا مجمع عمومی میخوانند. در احزاب سیاسی پلنوم یعنی جلسه عمومی ارگان رهبری کننده آن و هنگامی که کمیته مرکزی، یعنی افراد عضو رهبری حزب (همه آنها یا اکثریتی که مطابق با موازین اسنادنامه ای جلسه میتواند رسمیت پیدا کند)، گرد می آیند، پلنوم تشکیل میشود. البته کمیته حزبی استان یا کمیته حزبی شهرستان نیز میتواند در همان سطح خود پلنوم کمیته استان یا پلنوم کمیته شهرستان را تشکیل دهد.

کمیته مرکزی، علاوه بر اعضای رسمی خود، دارای عده ای اعضای مشاور یا نامزد کمیته مرکزی است، که در سابق به آنها اعضای علی البدل میگفتند. این عده، که در کنگره قبلی انتخاب شده یا در پلنومهای قبلی برگزینی شده اند و بخشی از رهبری حزب را تشکیل میدهند، در پلنومهای کمیته مرکزی شرکت نمیکنند و نظریات و نظریات و نظریات آنها، مشورتی دارد و تعیین کننده نیست. وجود اعضای مشاور (یا نامزد یا علی البدل) به دو علت لازم است: یکی اینکه تعداد هر چه بیشتری از کادرها و فعالین درجه اول حزب بدورتر قرار داشته باشند و تجربیات را فراگیرند، از افراد با سابقه بیاموزند و با ارائه نظریات و پیشنهادها، تصمیمات کمیته مرکزی را غنی تر سازند و کار رهبری را تسکین کنند و به دمکراسی درون حزبی، که از اصول کار و فعالیت حزب طراز تونین طبقه کارگر است، بنویسند و یاری رسانند. علت دوم وجود اعضای مشاور (نامزد یا

### امر آزادی و...

قیه از صفحه ۶

که بیچونجه نسخه برداری از نمونه های کشورهای سوسیالیستی نیست. راه های گذار به سوسیالیسم اشکال گوناگون دارد. تجارب کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی، شیوه های نوین تحولاتی راه کمپانگونی شرایط مشخص و ویژگی های ملی باشند، پدید آردند و پدید خواهند آرد. سرانجام می خواهم مطالب زیر را خاطرنشان کنم:

استحکام همه جانبه کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی و یا کشورهای که راه ساختن سوسیالیسم را در پیش گرفته اند، حائز اهمیت بین المللی فوق العاده ای است. خلفه های بسیاری از کشورهای آزاد شده از بندهای استعمار

با دقت مترجه آند که، چگونه این کشورها رشد می یابند و تجارب آنها را می آموزند. به همین علت، گزینش راه پیشرفت اجتماعی آینده خلق های که در گذشته زیر اسارت بسودمانه، سرنوشته تاریخی آنان و به طور کلی استحکام مواضع ضد امپریالیستی، به مقیاس جهانی، به درجات زیادی به پیشرفت موفقیت آمیز این کشورها بستگی دارد.

از سخنانی که گفته شده، میتوان چنین نتیجه گیری کرد:

۱- برای تأمین صلح و ترقیات اجتماعی، تشریک مساعی و حسن تقاضا متقابل میان نیروهای سوسیالیسم، جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری و نیروهای رهایی بخش مللی ضرور است. تشریک مساعی آنان در امر

امنیت خلقها و نوسازی جهان بر بنیای برابری حقوق، آزادی، دمکراسی و عدالت بایستی نقش برجسته ای ایفا کند. همبستگی این سه جریان عمده روند انقلابی معاصر، در آینده نقش تعیینی لکومونیو رشد و تکامل جهان را خواهد داشت.

۲- در شرایط بین المللی معاصر، این جهات مبارزه مشترک ما، در درجه اول اهمیت اند:

۳- اقدام فعال علیه خطر روزه افزون جنگ هسته ای جهانی و علیه تلاش های که برای تخریب در روند تشرذایی به کار برده میشود.

۴- مقاومت در برابر سیاست «تلافی جوین» استعماری و خط مشی امپریالیستی سلطه جویی و تهدید؛

۵- رویارویی با سیاست عقلمت

اعلامیه دو تن از مسئولان حزب دمکرات کردستان ایران (گروه قاسملو):

### هیچ چیز خطرناکتر از فریب توده‌ها نیست

عبدالرحمن کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (گروه قاسملو) و مسئول سیاسی و نظامی منطقه قره‌گور و مرگور، و رحمان بیرونی عضو کادر سیاسی و نظامی حزب دمکرات در منطقه پیرانشهر و اشنویه، در تاریخ ۲۴ اسفند ۵۹، طی اعلامیه‌ای خطاب به مردم پیرانشهر، اشنویه، قلعه و قره‌گور و مرگور، باردیگر برده از خیانتها و جنایت‌های یانک قاسملو برداشتند. در این اعلامیه خطاب به مردم مبارز پیرانشهر، اشنویه، قلعه، قره‌گور و مرگور، از جمله آمده است:

جنانچه خیانت و جنایت که مرکب از موشی ماموران سیا و ناتو، نوکران رژیم جنایتکاریمت، افسران طاقوتی و زمینداران منطقه هستند، از هیچ‌گونه تلاش ناجوانمردانه بر علیه نیروهای مترقی، انسانهای صادق و بیرو پرنامه حزب روگردان نیستند و علیرغم چالاکت‌ها و رعب و وحشت به شیوه ساراک و شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی مشغول هستند و هیچ تمهت و برجسب ناروایی نمانده است که بر ما وفاداران به موشی سستی و امیل حزب نزنند. این مزدوران پست و ناتو در منطقه با تحریک عناصر ناآگاه کوشیده و می‌کوشند تا اعضای صادق حزب و پیشمرگان آگاه را با یازی‌خوردگان رود رو قرار دهند و درگیر سازند تا با ایجاد بلوا و خون‌ریزی هم اوامر اربابان پستی را اجرا کرده و هم مدتی دیگر به‌عمر ننگین چماق و سر نیزه خود ادامه دهند.

راه مبارزه حزب قطع کامل نفوذ امپریالیزم، بویژه امپریالیزم تبهکار آمریکایا، در تمام زمینها از میهن انقلابی است، نه رام‌اجنبی نفوذ امپریالیزم و ضدانقلاب دست‌نخورده‌اش در میهنان. خلق کرد چه می‌گویند؟ پیشمرگان مبارز و آگاه چه می‌گویند؟ می‌گویند: راه مبارزه خلق کرد راه پیوندی و همسنگری با دیگر خلقهای ایران است، نه راه جدایی و تفرقه و نفاق، نه راه سوختن خانه و کاشانه خلق برادر آزادی. مبارزین واقعی، دمکراتهای راستین چه می‌گویند؟ می‌گویند: موشی حزب ما تشکیل جبهه و هماتکی و وحدت با نیروهای مترقی و

### شادباش سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان به مناسبت برگزاری پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان به مناسبت برگزاری پلنوم هفتم (وسیع) کمیته مرکزی، پیام شادباشی به کمیته مرکزی حزب فرستاده است. در این پیام چنین آمده است:

دردهای گرم و رزجویانه ما را به مناسبت برگزاری پلنوم هفتم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران پذیرید. رزقا! در زمانی که خلقهای ایران دوران تاریخی سرخ‌نوشت سازی را در زندگی خود میگذرانند، بیگمان مسوولیت پلنوم هفتم (وسیع) مرحله غیوثی را در مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان راهگشا است.

ما بخود مینالیم که در دامان حزبی پرورش یافته و هریابیم که ادامه‌دهنده راه اوانی است و چهل سال است که برای استقلال، آزادی و دگرگونی بنیادی جامعه ایران مبارزه کرده و می‌کند و به‌حق حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران نام گرفته است.

با اعضاء و هواداران حزب توده ایران در خوزستان عهد می‌بندیم که با ایمانی راسخ بتوانیم در مبارزات خستگی‌ناپذیر حیزمان به خاطر تعیبت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی، سهم خود را به‌طور شایسته ادا کنیم.

زنده‌باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! یابداریاد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با حزب توده ایران!

۲۷ راز ۶۰

### این‌دیرا گاندی نسبت به افزایش خطر جنگ هشدار داد

یانو این‌دیرا گاندی نخست‌وزیر هند، ضمن بیاناتی در بمبئی، بمناسبت تشدید تنش در جهان اظهار نگرانی کرد و گفت: در حال حاضر خطر بروز جنگ جدید افزایش یافته است. وی افزود که هند سیاست عدم تعهد را برگزیده تا یک کاهش اختلافها و تصادمات در جهان کمک کند.

نخست‌وزیر هند با اشاره به مسائل منطقه گفت:

«باکستان خط مشی عدم تعهد را زیر پا میگذارد» او گفت که هند از تحویل تسلیحات آمریکایی به پاکستان نگران و مضطرب است.

### تجاوز وحشیانه

### اسرائیل به جنوب‌لیبان

شقیق‌وزان نخست‌وزیر لبنان، گلوله‌باران بندر صیدا در جنوب لبنان را توسط توپخانه ارتش اسرائیل و راست‌گرایان مسلح، تجاوز وحشیانه خواند. در جریان عملیات مزبور، بیست تن از اهالی جنوب لبنان کشته و بیش از ۳۰ تن زخمی شدند. در این حلات خسارات مالی فراوانی به بندر صیدا وارد شد. اسرائیل مدعی است با استفاده از گروه‌های راست‌گرای مسیحی، دامنه‌های خود را در جنوب لبنان افزایش داده است.



### موج اعتراض به اشغال ایرلند توسط انگلیس

در دبری، یکی از شهرهای ایرلند شمالی، یک ماشین ارتش انگلیسی به میان ظاهرکنندگان رفت و باعث کشته شدن دو نفر و مجروح شدن چند نفر گردید. این تظاهرات به تشنه اعلام همبستگی با زندانیانی که در انگلستان بسر می‌برند، برپا شده بود. زندانیان مزبور از مقامات انگلیسی خواستند که با آنان مانند زندانی سیاسی رفتار شود. همچنین در شهر بلفتست و دیگر شهرهای ایرلند شمالی نیز تظاهراتی بمناسبت اشغال ایرلند توسط انگلیس صورت گرفت.

### آمریکا در دیه‌گو کارسیا کلاک هسته‌ای مستقر میکند

روزنامه پری‌پرس چاپ فئا، با استناد به منابع مطلع خبر داد که آمریکا بطور مخفیانه سلاح هسته‌ای در جزیره دیه‌گو کارسیا در اقیانوس هند مستقر می‌کند. طبق گزارش این روزنامه، تا کنون ۱۹ کلاک هسته‌ای به این پایگاه آمریکائی منتقل شده است.

● در چنین شرایطی، ماجرای تصادم زیردریایی آتس آمریکا با یک کشتی ژاپنی، که به غرق این کشتی منجر شده اعتراضات وسیعی را در ژاپن برانگیخته است، زیردریایی آمریکائی پس از تصادم با کشتی ژاپنی، آنرا به حال خود گذاشت. تاخدا و معاون کشتی غرق شدند و کارکنان کشتی، تنها پس از ۱۸ ساعت نجات داده شدند. روزنامه آکاهاما چاپ ژاپن، نوشت که مردم ژاپن منتظر رسیدگی دقیق به این حادثه هستند و از خطری که رفت و آمد ناامنی زیر-دریایی‌های آمریکا در نزدیکی سواحل ژاپن برای این کشوردیدند می‌آورند. نگران‌اند.

### متکلمین در روز ملی کامپوچیا گفت: موفقیت‌های خلق کامپوچیا با کمک‌های کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستی دارد

به مناسبت روز ملی کامپوچیا اجتماع عظیمی با شرکت همگامین رئیس‌جمهوری انقلابی کشور دیرنومین برگزار شد. متکلمین در این مراسم ضمن سخنرانی تأکید کردند که مردم کامپوچیا در مدت کوتاهی به‌دراستروی دارو دسته یلوت موفقیت‌های قابل‌ملاحظه‌ای به‌دست آوردند. او افزود: «این موفقیت‌ها با کمک‌های بی‌شائبه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگسستی دارد.»

### اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح در هاوانا

۲۵۰ نماینده از ۲۰ کشور و بیش از ۲۰ سازمان بین‌المللی برای شرکت در اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح وارد حلات تاجوانمردانه تلفات‌جانی و خسارات مالی نیز بیار آورد.

در منطقه خوتین‌شهر میادله آتس بین نیروهای ما و متجاوزان ادامه داشت و ضایعات و تلفاتی به دشمن وارد آمد که آمار دقیق آن در دست نیست. در اثر اجرای آتس توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع دشمن در منطقه واسلیه یک نفر و یک تیربار منهدم و چهارتن کشته شدند.

### بعد از دیدار با تاجر: خانم گاندی نگرانی خود را از امتراتی نظامی غرب در منطقه اعلام کرد

سازگارت‌تاجر نخست‌وزیر انگلستان در جریان دیدار خود از هند در یک کنفرانس مطبوعاتی اعتراف کرد که این کشور با هند در زمینه مسائل کلیدی بین‌المللی اختلاف نظر دارد. نخست‌وزیر انگلستان در این صحابه ضمن تأیید پشتیبانی انگلستان از تصمیم آمریکا در مورد تحویل مقادری از اسلحه به پاکستان خاطر نشان ساخت که این کشور در عملیات نیروهای واکتس سریع آمریکائیک شرکت می‌کند.

به گزارش خبرگزاریها خانم گاندی نخست‌وزیر هند پس از مذاکرات خود با خانم تاجر نگرانی جدی خود را از امتراتی نظامی غرب در آن منطقه ابراز داشت.

### انبار بزرگ ...

سنگین خود قرار دادند و مواضع آنان را بشدت دردم کوبیدند. شهرستانهای ماهوز و آبادان مجدداً هدف آتس توپخانه و سلاحهای سنگین دشمن واقع شد. این حملات تاجوانمردانه تلفات‌جانی و خسارات مالی نیز بیار آورد.

در منطقه خوتین‌شهر میادله آتس بین نیروهای ما و متجاوزان ادامه داشت و ضایعات و تلفاتی به دشمن وارد آمد که آمار دقیق آن در دست نیست. در اثر اجرای آتس توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع دشمن در منطقه واسلیه یک نفر و یک تیربار منهدم و چهارتن کشته شدند.

جبهه‌های غرب در طول جبهه‌های غرب‌لیبان، رزمندگان ماهوشیاری کامل همچنان مراقب حرکات دشمن بودند و با برتری آتس استحکامات و محل استقرار متجاوزان را هدف قرار داده تلفات و خسارات متمادی به قوای عراقی وارد آوردند. در جبهه مهران یک انبار بزرگ مهمات ارتش عراق در نتیجه اجرای دقیق آتس توپخانه ما به آتس کشیده شد و متفجر گردید. در این عملیات تلفات انسانی نیز به متجاوزان وارد آمد. نسبتاً چند فروند میگ متجاوز عراقی که در آسمان ۳ شهر غربی کشور ظاهر شده بودند با تیراندازی بموقع یگانهای پدافند زمین به‌هم‌ام‌ج‌بور به فرار شدند.

برای گزارش رسیده در روز بیست‌و هشتم فروردین ماه جاری در جبهه‌های جنوب و غرب کشور دو تن از رزمندگان قهرمان ماچمن نیروی دریایی و رانندگرمی جمهوری اسلامی ایران به‌شهادت رسیدند.

پتیه از صفحه ۶  
ملاحظه‌ای به افراد ارتش تجاوزگر عراق وارد شد. در جبهه‌های مبارزان ما ادوات زرهی و نفرات دشمن را زیر آتس سلاحهای

نامه مردم  
زبان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بیرونی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هتوز در اختیار  
نامه مردم نیست)  
چاپ: کاویان  
NAMEH  
MARDOM  
No. 492  
21 April 1981  
Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 3 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.  
خوانندگان گرامی نامه مردم و همه منگامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

### در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!